



The Settlement Pattern of the Nishapur Plain in the Sasanian Period

Meysam Labbaf-Khaniki

Abstract

Thanks to a favourable geographical condition and the passing of the most important road of Asia across the northern part of the Nishapur Plain, this plain has been permanently settled by peoples from Central Asia and the Iranian plateau. According to the historical accounts, the Nishapur Plain was one of the political centres and military bases of northeastern Iran and was considered as one of the most important agricultural and industrial centres of Iran as well. These vital potentials of the Nishapur plain set the stage for increasing population, development of urban and rural settlements, and higher agricultural productivity during the Sasanian period. Archaeological investigations show that the location of the Nishapur Plain's settlements relied on the presence of natural resources and cultural facilities. Water and land, as well as the facilities provided by the city of Nishapur, are the factors that define the settlement pattern of the Nishapur Plain's landscape during the Sasanian period. The spatial order of the settlement pattern of the Nishapur Plain and the pottery tradition of the region indicate that the rural settlements of the plain served as the hinterlands of the city of Nishapur, which relied on the exchange of commodities and services throughout its history.

Keywords: Nishapur, Cultural Landscape, Sasanian Period, Settlement Pattern, Landuse.

<https://doi.org/10.6084/m9.figshare.14754210>

© 2020 Iran National Museum. All rights reserved

الگوی استقرار دشت نیشابور در دوره ساسانی

میثم لباف خانیکی*

چکیده

شرایط مساعد جغرافیایی و عبور مهم‌ترین راه ارتباطی قاره‌ی آسیا از بخش شمالی دشت نیشابور، از دیرباز سبب شکل‌گیری استقرارهای انسانی و وقوع رویدادهای تاریخی مهم در این ناحیه شده است. به گواهی متون تاریخی، نیشابور در دوره‌ی ساسانی یکی از مراکز مهم نظامی و سیاسی حوزه‌ی شمال شرق ایران به شمار می‌رفت و به‌عنوان یکی از مراکز کشاورزی و صنعتی فلات ایران شناخته می‌شد. مطالعات باستان‌شناسی گویای آن است که مکان‌گزینی سکونتگاه‌های دشت نیشابور در دوره‌ی ساسانی، با تکیه بر امکانات طبیعی و نحوه‌ی ارتباط با عوارض فرهنگی انجام شده است. از این رو، کیفیت پراکندگی محوطه‌های استقرار دشت نیشابور در دوره‌ی ساسانی را می‌توان تابعی از ارتباط فضایی عوارض طبیعی و فرهنگی این دشت دانست. آب، زمین و موقعیت و کارکرد شهر نیشابور مهم‌ترین عوامل تعیین‌کننده‌ی الگوی استقراری منظر فرهنگی نیشابور در دوره‌ی ساسانی به شمار می‌روند. بر اساس نظم فضایی موجود در الگوی پراکندگی سکونتگاه‌های دشت نیشابور و یکپارچگی سبکی تولیدات سفالی این ناحیه، به‌نظر می‌رسد کلیه‌ی استقرارهای ساسانی دشت نیشابور، اقمار شهر مرکزی نیشابور بوده‌اند و با یکدیگر در مبادله‌ی دایم کالا و خدمات به سر می‌برده‌اند.

واژگان کلیدی: نیشابور، منظر فرهنگی، دوره‌ی ساسانی، الگوی استقراری، بهره‌وری از زمین.

مقدمه

در سال‌های ۱۹۳۷ تا ۱۹۴۵ میلادی، نیشابور برای نخستین بار مورد توجه باستان‌شناسان قرار گرفت. طی این سال‌ها، هیئت اعزامی از موزه‌ی متروپولیتن نیویورک به سرپرستی چارلز کرل ویلکینسون به کاوش در کهندژ شهر کهن نیشابور پرداخت. محصول کاوش‌های دامنه‌دار ویلکینسون و همکارانش مجموعه آثار نفیسی شامل ظروف سفالی و شیشه‌ای، آثار فلزی و تزیینات معماری عمدتاً مربوط به سده‌های میانی اسلامی بود (Upton 1936; Hauser and Upton and Wilkinson 1938; Hauser and Wilkinson 1942; Wilkinson 1937, 1943, 1944, 1950, 1959, 1961, 1973, 1986, 1995).

اما آنچه ویلکینسون در پایان کاوش‌های خود ابراز کرد، باعث شگفتی باستان‌شناسان و مورخان شد که پیرامون نیشابور خواننده و نوشته بودند. وی پس از کندوکاوهای متمادی خود و همکارانش اعلام کرد که بقایای شهر ساسانی نیشابور را باید در محلی خارج از محدوده‌ی تپه کهندژ جست (Wilkinson 1986: 38-39). این اظهارات مخالفت بسیاری از اندیشمندان را برانگیخت.

ریچارد بولیه که سال‌ها به مطالعه در باب بازسازی جمعیتی نیشابور کهن پرداخته بود، در نقد نظریات ویلکینسون اعلام داشت که قطعاً در زیر لایه‌های استقرار دوره‌ی اسلامی نیشابور، شواهدی از سکونت دوره‌ی ساسانی نهفته و در واقع شکوه و جلال آثار دوره‌ی اسلامی نیشابور سبب تحت‌الشعاع قرار گرفتن آثار دوره‌ی ساسانی در نظر ویلکینسون شده است (Bulliet 1976: 71). با هدف رفع این ابهام، در سال ۲۰۰۴ موزه‌ی لوور فرانسه برآن شد با اعزام هیئتی به کاوش و لایه‌نگاری کهندژ نیشابور کهن بپردازد. به‌همین منظور گروهی متشکل از باستان‌شناسان ایرانی و فرانسوی به سرپرستی مشترک رجبعلی لباف خانیکی و مونیک کروران، کاوش در بقایای کهندژ نیشابور را از سر گرفتند (Labaf and Kervran 2007). بازنگری در نتایج مطالعات باستان‌شناختی ویلکینسون، با بررسی سطحی محوطه‌ی کهندژ آغاز شد.

در نخستین مرحله، باستان‌شناسان متوجه فراوانی چشمگیر قطعه سفال‌های پیش از اسلام، عمدتاً متعلق به نیمه‌ی دوم دوره‌ی ساسانی در مجموعه سفال‌های پراکنده بر سطح محوطه شدند. لایه‌نگاری و کاوش تپه کهندژ در فصل‌های بعدی، مشخص ساخت که شهر اسلامی نیشابور در نتیجه‌ی توسعه‌ی استقرار پیش از اسلام در همان مکان تکوین یافته است. شواهد متقنی همچون سفال نوشته، مهر، گل مهر، سازه‌های معماری و انبوه سفال‌های شاخص دوره‌ی ساسانی، فرضیه‌ی ویلکینسون را منتفی ساخت و موقعیت شهر ساسانی

نیشابور در محل تپه‌ی کهندژ یا آلپ ارسلان را تأیید کرد (لباف خانیکی ۱۳۸۶؛ لباف خانیکی و کروران ۱۳۸۶؛ Rante and Col- 2013).

در جریان کاوش باستان‌شناختی کهندژ شهر کهن نیشابور در سال ۱۳۸۶، به پیشنهاد نگارنده، بخشی از مطالعات باستان‌شناسی به مطالعه و بررسی حوزه‌ی شهری نیشابور ساسانی و شناسایی بستر جغرافیای تاریخی نیشابور اختصاص یافت. به منظور دستیابی به اهداف فوق، نگارنده به بررسی و شناسایی حوزه‌ی نفوذ شهر نیشابور در دشت نیشابور پرداخت. برای تعیین محدوده‌ی حوزه‌ی نفوذ شهری نیشابور، دایره‌ای در نظر گرفته شد که شعاع آن معادل مسافتی است که یک نفر با پای پیاده می‌تواند طی یک روز بپیماید تا به شهر نیشابور برسد؛ به امور مورد لزوم (عمدتاً مبادلات اقتصادی) در این شهر رسیدگی کند و سپس به روستای خود بازگردد. بر این اساس، حوزه‌ی نفوذ شهری نیشابور، دایره‌ای به شعاع تقریباً ۳۰ کیلومتر فرض شد و بررسی باستان‌شناختی در این محدوده انجام شد. شناسایی محوطه‌های معرفی‌شده در این مقاله به شیوه‌ی روستا به روستا و پرس و جو از اهالی محل انجام شد. در پیمایش مسافت میان محوطه‌ها از موتورسیکلت استفاده شد و بدین ترتیب مسیرهایی که نامناسب برای اتومبیل بودند نیز مورد پیمایش قرار گرفت. در نتیجه‌ی بررسی انجام شده، ۴۶ محوطه‌ی باستانی شناسایی شد که از این تعداد ۱۲ محوطه دربردارنده‌ی مواد فرهنگی دوره‌ی ساسانی بود. در ادامه، پس از معرفی شرایط جغرافیایی دشت نیشابور و محوطه‌های ساسانی پراکنده در آن، به تبیین الگوی استقراری دشت نیشابور در دوره‌ی ساسانی پرداخته می‌شود.

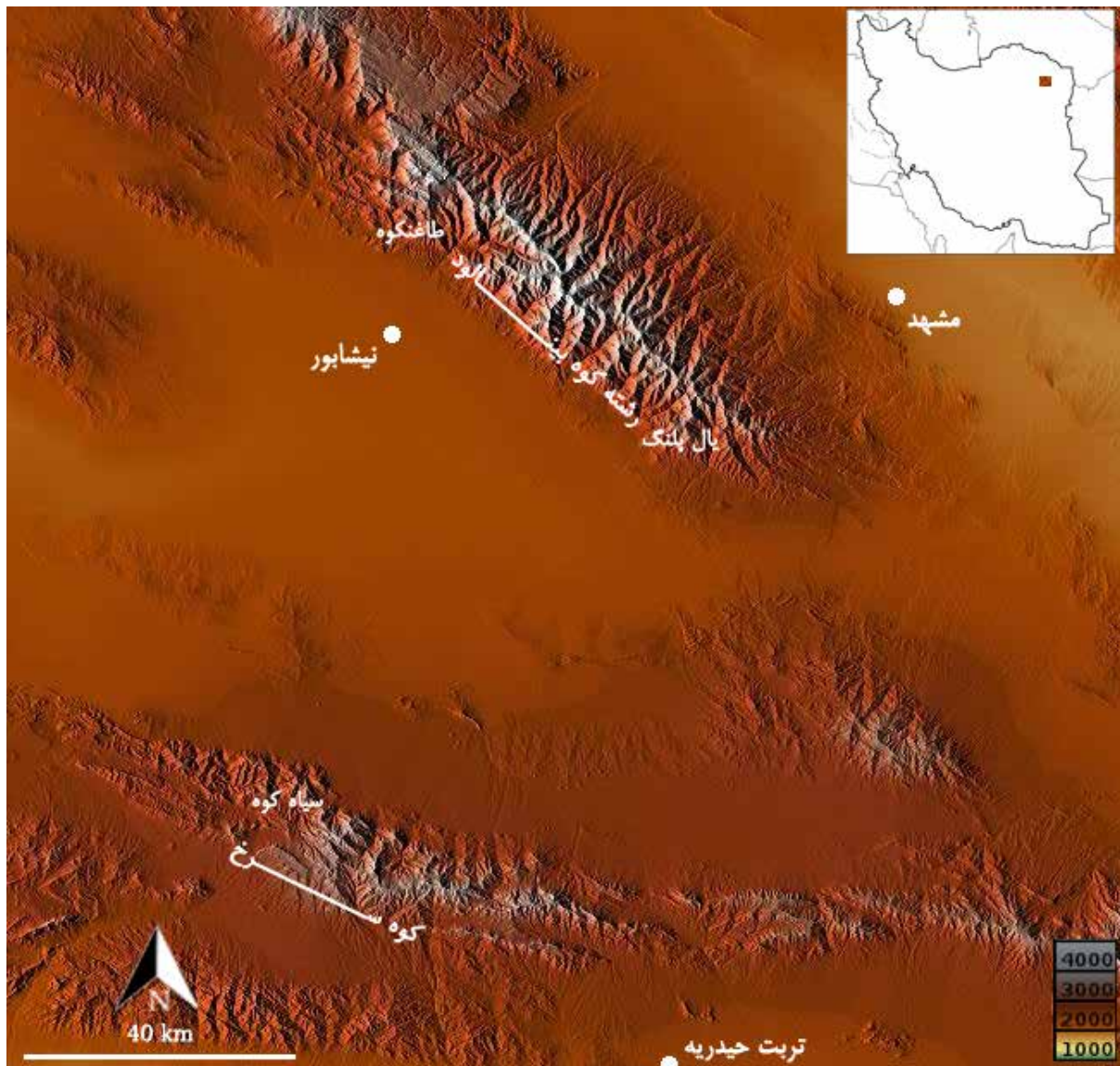
موقعیت و شرایط جغرافیایی دشت نیشابور

دشت نیشابور، بر پایه‌ی تعریف جغرافیایی پدیده‌ی دشت (ثروتی ۱۳۷۱: ۵۶۷)، قسمت‌های پست‌تر عوارض طبیعی محدود در میان دامنه‌های پر شیب کوهستانی بینالود در شمال، بلندی‌های نیزه‌بند و سیاه‌کوه و کوه‌سرخ و کوه‌نمک در جنوب، ارتفاعات میلاجوق و یال‌پلنگ در شرق و رشته کوه طاغنکوه در غرب را تشکیل می‌دهد. دشت نیشابور از غرب با حوزه‌ی آبریز دشت سبزواری و از شمال‌غرب با دشت جوین همجوار است (طاهری ۱۳۸۴: ۷؛ ولایتی ۱۳۶۷: ۹۶). (تصویر ۱) این دشت با ارتفاع میانگین ۱۲۵۰ متر از سطح دریا، در شمال شرق ایران، شمال استان خراسان رضوی و در عرض جغرافیایی ۳۶ درجه و ۱۲ دقیقه و طول جغرافیایی ۵۸ درجه و ۴۷ دقیقه واقع شده است. دشت نیشابور مساحتی بالغ بر ۴۱۰۰ کیلومتر مربع داراست و به انضمام ۷۳۰۰ کیلومتر مربع

رودخانه تشکیل می‌دهد که تمامی این رودخانه‌ها به جریان اصلی به نام کال شور منتهی می‌شوند. کال شور به عنوان زهکش حوزه و طولیل‌ترین رودخانه شهرستان نیشابور با جهتی شرقی - غربی از حوزه نیشابور به سمت کویر مزینان در سبزوار خارج می‌شود (طاهری ۱۳۸۴: ۱۳-۱۴). با وجود رودخانه‌های پرآب و دائمی که از چشمه‌های متعدد و قله‌های برف‌گیر بینالود تغذیه می‌شوند، طی دوران اسلامی، احداث قنات‌های فراوان بر حاصلخیزی و باروری زمین‌های حاصلخیز دشت نیشابور افزوده و این منطقه را به یکی از مهمترین مراکز تولید کشاورزی استان خراسان رضوی بدل کرده است. در آمار سال ۱۳۶۵ تعداد قنات‌های حوزه آبریز دشت نیشابور ۵۶۸ رشته و تخلیه سالانه آن‌ها ۱۴۴ میلیون متر مکعب گزارش شده است (ولایتی ۱۳۶۷: ۱۱۱).

ارتفاعات پیرامونی، کل حوزه محدود در میان رشته-کوه‌های مذکور را دربرمی‌گیرد (ولایتی ۱۳۶۷: ۹۲). ارتفاع دشت نیشابور از اطراف به مرکز کاهش پیدا می‌کند و در قسمت جنوب‌غربی دشت، در محل خروجی رودخانه کال شور نیشابور به دشت سبزوار، به حداقل خود یعنی ۱۰۵۰ متر از سطح دریا می‌رسد. شیب عمومی دشت نیشابور، شرقی - غربی است و علاوه بر آن، قسمت عمده دشت و به‌ویژه قسمت‌های شمالی آن نیز دارای شیبی با جهت شمالی - جنوبی است (طاهری ۱۳۸۴: ۸).

نیشابور به دلیل محاط بودن در حصار کوهستانی و قرار داشتن در حاشیه شرقی کویر مرکزی ایران، دارای اقلیم نیمه خشک تا خشک سرد در ناحیه دشت و اقلیم نیمه خشک سرد در نواحی کوهستانی است (طاهری ۱۳۸۴: ۱۳). مهم‌ترین جریان‌های سطحی آب در دشت نیشابور را ۱۱



تصویر ۱. نقشه طبیعی دشت نیشابور

است. این تپه با شکل تقریبی مربع با زوایه‌های منحنی مساحتی در حدود ۴/۶ هکتار را می‌پوشاند. بلندترین نقطه تپه کهندژ، ۱۵ متر از سطح دشت پیرامون ارتفاع دارد. در امتداد جنوب شرق تپه کهندژ، برجستگی تراس شکلی وجود دارد که به عنوان شارستان شهر اسلامی نیشابور شناخته می‌شود. (تصویر ۳)

سفال‌هایی که در این بررسی، مبنای مطالعه سفال‌های شهر کهن نیشابور قرار گرفته، بر خلاف سفال‌های محوطه‌های دیگر که از سطح به صورت تصادفی جمع‌آوری شده‌اند، در نتیجه‌ی حفر گمانه‌ای به دست آمده‌اند که در کاوش‌های سال ۱۳۸۶ به منظور لایه‌نگاری جبهه غربی کهندژ نیشابور توسط نگارنده ایجاد شد. (تصویر ۴؛ جدول ۱)

سرده

محوطه سرده با مختصات جغرافیایی ۳۶ درجه و ۱۰ دقیقه و ۸ ثانیه شمالی و ۵۸ درجه و ۳۲ دقیقه و ۷ ثانیه شرقی در شمال جنوب غرب شهرستان نیشابور و ۲۷ کیلومتری شهر امروزی نیشابور واقع شده است. گستره این محوطه که توسط زمین‌های کشاورزی، از شمال، جنوب و غرب و جاده آسفالت از شرق فرا گرفته شده است بر اساس پراکندگی سفال حدود ۱۶ هکتار تخمین زده می‌شود. بخش عمده‌ای از محوطه سرده، هم سطح دشت است و بخش شرقی آن به وسعت تقریباً ۹۰۰ متر مربع به صورت تپه‌ای قابل مشاهده است. این

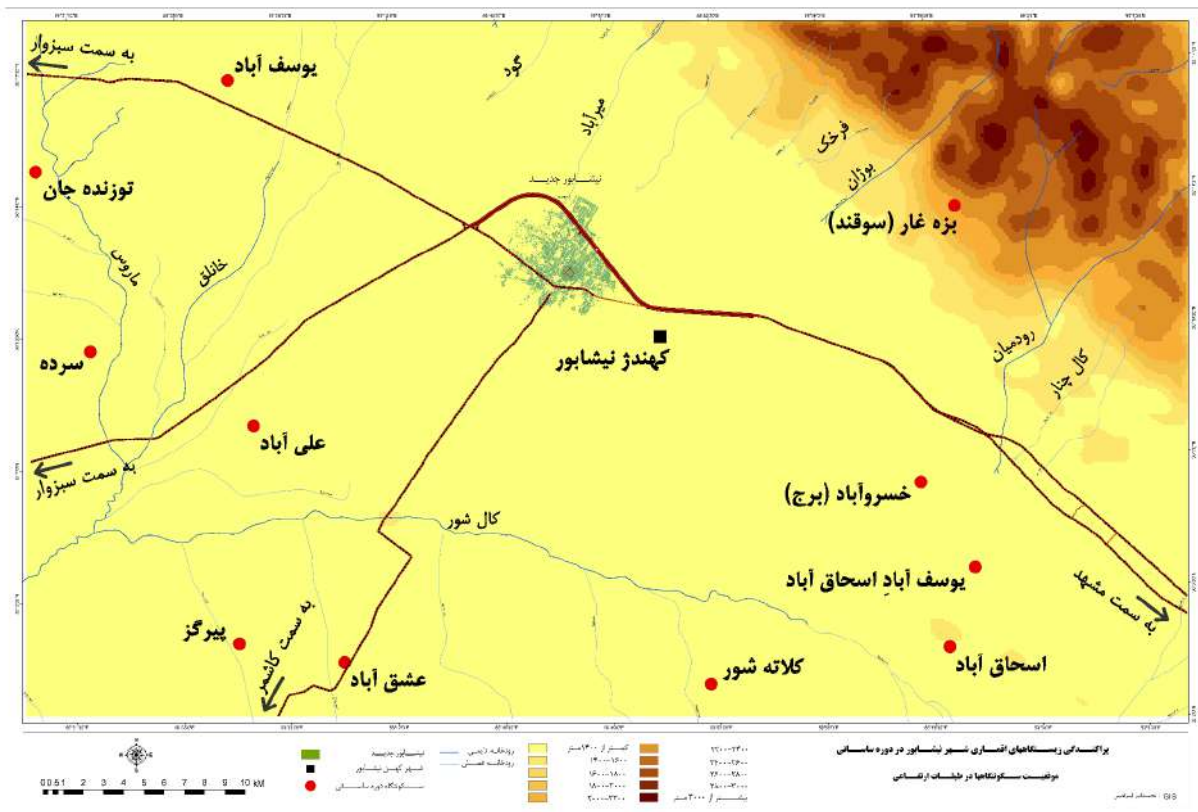
محوطه‌های ساسانی دشت نیشابور

تعیین قدمت محوطه‌های باستانی دشت نیشابور در این مقاله، بر پایه‌ی بررسی مواد فرهنگی سطحی انجام شده و تعیین قدمت مواد فرهنگی سطحی، بر مبنای مقایسه با آثاری انجام شده که در نتیجه‌ی کاوش و لایه‌نگاری تپه‌ی کهندژ نیشابور به دست آمده است (لباف خانیکی ۱۳۸۷).

سفال‌هایی که از گمانه‌ی لایه‌نگاری کهندژ به دست آمده‌اند، معیار مناسبی برای تعیین قدمت سفال‌های گردآوری‌شده از سطح دیگر محوطه‌های دشت نیشابور در اختیار می‌گذارند. بر این اساس علاوه بر تپه‌ی کهندژ، ۱۱ محوطه‌ی دیگر در دشت نیشابور، حاوی مواد فرهنگی دوره‌ی ساسانی تشخیص داده شد. (تصویر ۲) استقرار در اغلب این محوطه‌ها محدود به دوره‌ی ساسانی نبوده و مطلوبیت مکانی، سبب تداوم استقرار در آنها طی سده‌های دوران اسلامی شده است. پس از شرح کوتاهی درباره‌ی هر محوطه، به شرح و تحلیل ویژگی‌های مشترک آنها می‌پردازیم.

تپه کهندژ نیشابور

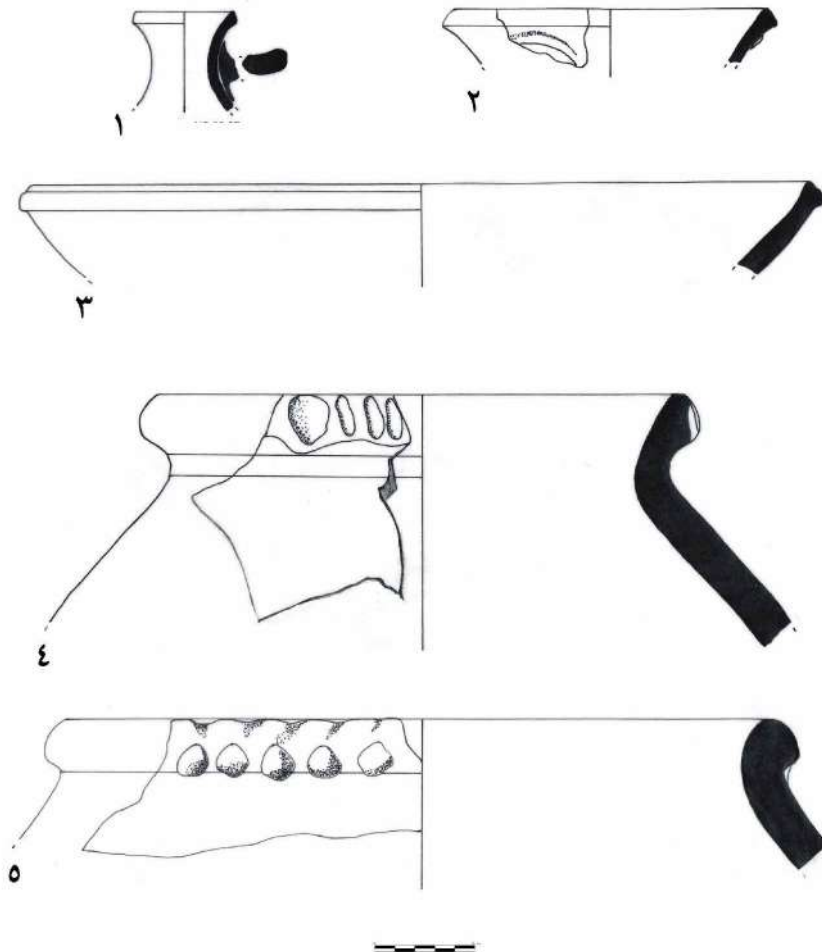
این محوطه که به نام تپه آلپ ارسلان نیز شناخته می‌شود در عرض ۳۶ درجه و ۱۰ دقیقه و ۱۵ ثانیه شمالی و طول ۵۸ درجه و ۵۰ دقیقه و ۴۹ ثانیه شرقی و در ۵ کیلومتری جنوب غرب شهر امروزی نیشابور و ۵۰۰ متری روستای طرب آباد واقع شده



تصویر ۲. نقشه پراکندگی محوطه‌های ساسانی در دشت نیشابور



تصویر ۳. عکس هوایی جرج گستر از محوطه کهندژ نیشابور (Stronach and Mousavi 2009)



تصویر ۴. طرح سفال‌های شاخص ساسانی به‌دست‌آمده از کهندژ نیشابور

شماره	میزان پخت	آمیزه	رنگ سطح خارجی	رنگ خمیره	رنگ سطح داخلی	تزیینات	منابع مقایسه
۱	کافی	معدنی	نخودی	نارنجی	نخودی	فاقد تزیینات	Boucharlat and Lecomte 1987: Figs. 69: 6; 68: 7; Trinkaus 1986: Fig. 12:4
۲	کافی	معدنی	نخودی	نارنجی	نخودی	فاقد تزیینات	Boucharlat and Lecomte 1987: Figs.68:5
۳	کافی	معدنی	نخودی	نارنجی	نخودی	فاقد تزیینات	Puschnigg 2006: Appendix 2: R168
۴	کافی	معدنی	نخودی	نارنجی	نخودی	اثر فشار انگشت بر روی لبه	Boucharlat and Lecomte 1987: Fig.64: 5 لباف خانیکی ۱۳۸۷: شکل ۱۷
۵	کافی	معدنی	نخودی	نارنجی	نخودی	اثر فشار انگشت بر روی لبه	Trinkaus: 1986, Fig. 14: 12 لباف خانیکی ۱۳۸۷: شکل ۱۷

جدول ۱. مشخصات سفال‌های ساسانی کهندژ نیشابور

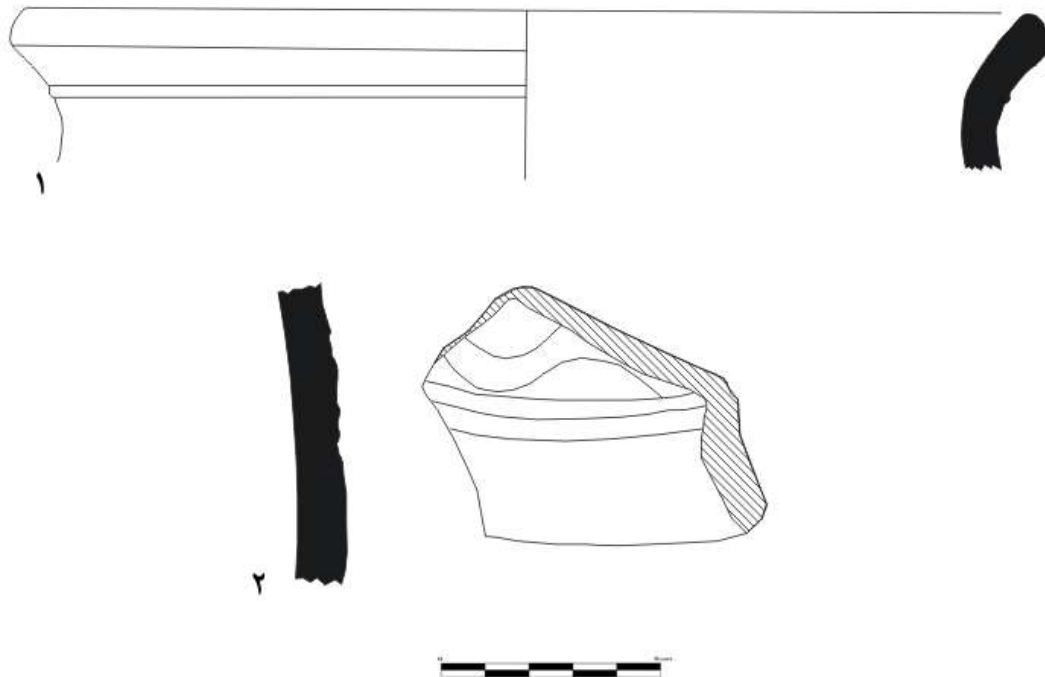
مساعده محوطه سرده از لحاظ تأمین آب و مجاورت با راه، باعث تداوم طولانی استقرار در این مکان شده است که البته این امر، شناسایی دوره‌های قدیمی‌تر سرده بالاخص دوره ساسانی را با مشکلات بیشتری مواجه می‌سازد. از این رو، انجام گمانه‌زنی‌های علمی تا حد زیادی خواهد توانست تصویر روشنی از لایه‌های استقراری در این محوطه را در اختیار گذارد. وجود سفال‌هایی از دوره ساسانی تا تیموری نشان از تداوم حیات در این سکونتگاه باستانی دارد. (تصویر ۶؛ جدول ۲)

محوطه به نام روستایی امروزی نامیده می‌شود که در آن سوی جاده و به فاصله ۳۰۰ متری شرق از محوطه باستانی سرده واقع شده است. سکونتگاه اهالی سرده در دوره تیموری و دوره صفوی به محوطه دیگری در ۸۰۰ متری جنوب شرق محوطه سرده جایی که امروز به نام قلعه سرده نامیده می‌شود، انتقال یافت (تصویر ۵).

تراکم سفال‌های ساسانی در سطح تپه‌ای که در شرق محوطه واقع شده، این احتمال را مطرح می‌سازد که هسته اولیه محوطه سرده در این نقطه قرار داشته باشد. موقعیت



تصویر ۵. تپه سرده



تصویر ۶. طرح سفال‌های ساسانی سرده

شماره	میزان پخت	آمیزه	رنگ سطح خارجی	رنگ خمیره	رنگ سطح داخلی	تزیینات	منابع مقایسه
۱	کافی	معدنی	نخودی	نخودی	نخودی	فاقد تزیینات	Boucharlat and Lecomte 1987: Figs. 68: 3; 66: 2; Trinkaus 1986: Fig. 12:4
۲	کافی	معدنی	قرمز	نارنجی	قرمز	خطوط کنده موجی و موازی	Trinkaus 1986: Fig. 16:9

جدول ۲. مشخصات سفال‌های ساسانی محوطه سرده

توزنده جان

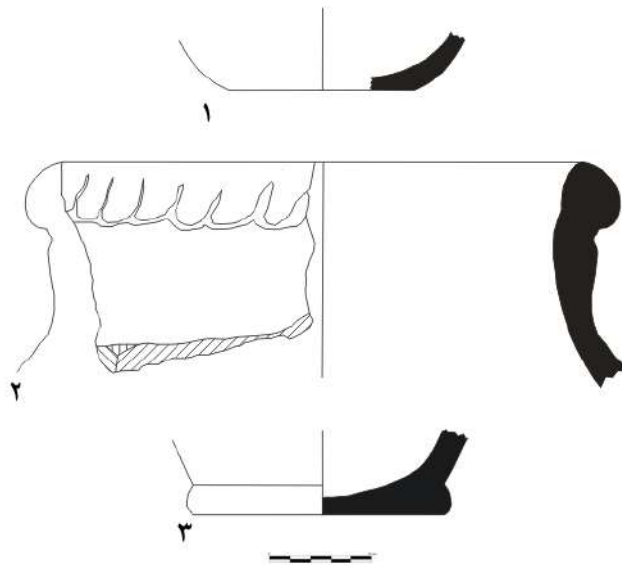
محوطه باستانی توزنده جان در جنوب شمال غرب شهرستان نیشابور و در موقعیت جغرافیایی ۳۶ درجه و ۱۴ دقیقه و ۵۵ ثانیه شمالی و ۵۸ درجه و ۳۰ دقیقه و ۲۵ ثانیه شرقی قرار دارد. بالاترین نقطه این محوطه حدود ۱۹ متر از سطح دشت پیرامون خود بالاتر است. این محوطه که در محل به نام قلعه توزنده جان شناخته می‌شود نام خود را از روستایی که در حدود ۲۰۰ متری جنوب آن قرار دارد، گرفته است. این محوطه به صورت تپه بزرگی بوده است که خاکبرداری‌های بی‌رویه، بخش عمده‌ای از جبهه غربی آن را از بین برده و حفاری‌های غیر مجاز ارتفاع مرکز تپه را به سطح دشت نزدیک کرده است. آنچه از مساحت امروزی این تپه باقی مانده در حدود ۶۵۰۰ متر مربع است. تپه توزنده جان در فاصله حدوداً ۲/۵ کیلومتری جنوب جاده بزرگ خراسان واقع شده و از طریق یک راه فرعی به این جاده متصل می‌شده است. (تصویر ۷)

مهمترین آثار فرهنگی این تپه مربوط به بقایای معماری است که به صورت دیوارهای ستبر و بخش‌هایی از برج‌های استوانه‌ای شکل در پیرامون تپه به چشم می‌خورد. دیوارها از خشت‌هایی مربع شکل با طول و عرض ۴۰ تا ۴۵ سانتی‌متر و به ضخامت ۹ تا ۱۰ سانتی‌متر با ملاط گل بر روی هم قرار گرفته‌اند. نظیر این خشت‌ها از لایه‌های ساسانی کهن‌تر نیشابور نیز به دست آمده است (لباف خانیکی و لباف خانیکی، ۱۳۹۱: ۳۴۰). تپه توزنده جان پیش از این به خاطر اشیای نفیس ساسانی که به گفته حفاران غیر مجاز از آنجا به دست آمده بود، مورد توجه قرار گرفته است (Mousavi, 1990).

تپه توزنده جان بر خلاف وسعت و ارتفاع نسبتاً زیاد، به دلیل تداوم استقرار تا دوره سلجوقی و همچنین انتقال خاک تپه به زمین‌های کشاورزی، دارای تعداد کمی سفال ساسانی است. (تصویر ۸؛ جدول ۳)



تصویر ۷. تپه توزنده جان



تصویر ۸. طرح سفال‌های ساسانی توزنده جان

شماره	میزان پخت	آمیزه	رنگ سطح خارجی	رنگ خمیره	رنگ سطح داخلی	تزیینات	منابع مقایسه
۱	کافی	معدنی	نخودی	نارنجی	نارنجی	فاقد تزیینات	Boucharlat and Lecomte 1987: Figs. 66:1; 67:9; 62:10; Trinkaus 1986: Fig. 15:12
۲	کافی	معدنی	نخودی	نخودی	نخودی	فاقد تزیینات	Trinkaus 1986: Fig. 13:7; Puschnigg 2006: Fig. 7.2
۳	کافی	معدنی	نخودی	نخودی	نخودی	فاقد تزیینات	Boucharlat and Lecomte 1987: Fig. 63:6; Puschnigg 2006: Fig. 6.11

جدول ۳. مشخصات سفال‌های ساسانی توزنده جان

توجه به فاصله زیاد رودخانه‌های دائمی و موقت بودن رودخانه فصلی، به نظر می‌رسد مهمترین منبع تأمین آب ساکنان تپه علی‌آباد، قنات‌هایی بوده است که رشته‌های آنها هنوز هم در راستای شمال شرق - جنوب غرب قابل شناسایی است. شکل امروزی تپه علی‌آباد به صورت مخروط سربر است که احتمالاً بخش‌های فوقانی آن به منظور تقویت خاک زمین‌های کشاورزی به زمین‌های اطراف انتقال داده شده است.

تپه علی‌آباد

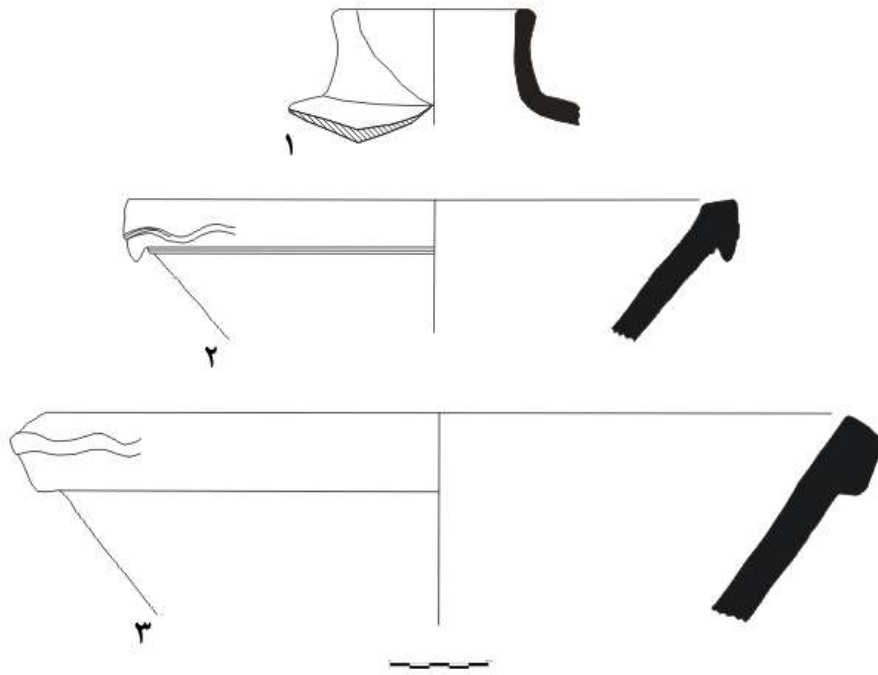
تپه علی‌آباد در نیمه شمالی ربع جنوب غربی شهرستان نیشابور قرار دارد. این تپه در مختصات ۳۶ درجه و ۸ دقیقه و ۷ ثانیه شمالی و ۵۸ درجه و ۳۷ دقیقه و ۲۵ ثانیه شرقی واقع شده است. ارتفاع بالاترین نقطه تپه علی‌آباد از سطح دشت ۳ متر است. (تصویر ۹) این تپه که توسط زمین‌های کشاورزی احاطه شده، دارای مساحت تقریبی ۴۶۰۰ متر در قاعده است. با

نظر می‌رسد در این سکونتگاه دو دوره اصلی استقرار در دوره ساسانی و دوره سلجوقی جریان داشته است. (تصویر ۱۰؛ جدول ۴)

عمده سفال‌های مطالعه شده از سطح تپه علی‌آباد به دوره سلجوقی تعلق دارند و کمتر از نیمی از سفال‌های مورد بررسی را سفال‌های ساسانی تشکیل می‌دهد. از این رو به



تصویر ۹. تپه علی‌آباد



تصویر ۱۰. طرح سفال‌های ساسانی توزنده جان

شماره	میزان پخت	آمیژه	رنگ سطح خارجی	رنگ خمیره	رنگ سطح داخلی	تزیینات	منابع مقایسه
۱	ناکافی	معدنی	نخودی	نارنجی	نخودی	فاقد تزیینات	Boucharlat and Lecomte 1987: Fig. 64:1; Trinkaus 1986: Fig. 14:1
۲	کافی	معدنی-گیلهی	نخودی	نخودی	نخودی	خطوط موجی کنده بر روی لبه	Puschnigg 2006: Appendix 2: R106
۳	کافی	معدنی	نخودی	نارنجی	نخودی	خطوط موجی کنده بر روی لبه	Trinkaus 1986: Fig. 14:13

جدول ۴. مشخصات سفال‌های ساسانی علی‌آباد

تپه یوسف آباد

تپه یوسف آباد با مختصات جغرافیایی ۳۶ درجه ۱۷ دقیقه و ۱۶ ثانیه شمالی و ۵۸ درجه و ۳۶ دقیقه و ۴۵ ثانیه شرقی در شمال شرق شهرستان نیشابور قرار گرفته است. جاده بزرگ خراسان یا جاده ابریشم امروزه از فاصله حدود ۵۰۰ متری آن عبور می کند و از این لحاظ، یوسف آباد در میان دیگر محوطه های ساسانی دشت نیشابور، از موقعیتی استثنایی برخوردار است. همچنین عبور رودخانه خانلق از حدود ۳ کیلومتری شرق این محوطه و رشته های متعدد قنات هایی که از رشته کوه بینالود آب می گیرند، بر امتیازات طبیعی استقرار

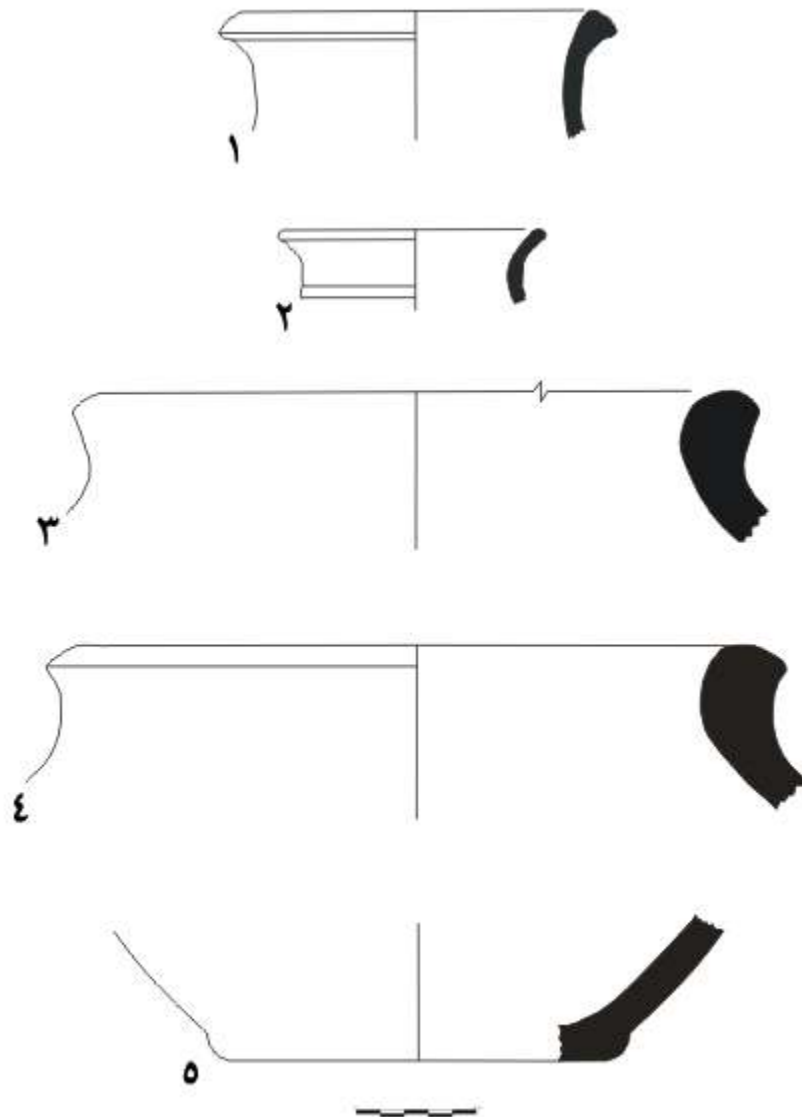
در این محوطه می افزایند. امروزه در فاصله ۵۰۰ متری تپه، مظهر یک قنات وجود دارد. وسعت تپه یوسف آباد در حدود ۱ هکتار و ارتفاع آن از سطح دشت پیرامون ۵ متر است. نمای کلی این تپه، مخروطی شکل است و فرسایش شدید طبیعی، تشخیص دقیق پلان یا مصالح به کار رفته در سازه های معماری این محوطه را مشکل می سازد. (تصویر ۱۱) از میان سفال های بررسی شده متعلق به تپه یوسف آباد، حدود یک سوم را سفال های ساسانی و مابقی را سفال های اسلامی تشکیل می دهد که عموماً مربوط به سده های اولیه دوره اسلامی هستند. (تصویر ۱۲؛ جدول ۵)



تصویر ۱۱. تپه یوسف آباد

شماره	میزان پخت	آمیزه	رنگ سطح خارجی	رنگ خمیره	رنگ سطح داخلی	تزیینات	منابع مقایسه
۱	کافی	معدنی	نخودی	نخودی	نارنجی	فاقد تزیینات	Boucharlat and Lecomte 1987: Fig. 66: 2; Puschnigg 2006: Appendix 2: R37
۲	کافی	معدنی	نارنجی	نارنجی	نارنجی	نقوش کنده خطی	Boucharlat and Lecomte 1987: Figs. 66:2; 68:3
۳	کافی	معدنی	نارنجی	نخودی	نارنجی	فاقد تزیینات	Boucharlat and Lecomte 1987: Fig. 63:7
۴	کافی	معدنی	نخودی	نخودی	نارنجی	فاقد تزیینات	Boucharlat and Lecomte 1987: Fig. 63:8
۵	کافی	معدنی	نخودی	نارنجی	نارنجی	فاقد تزیینات	Trinkaus 1986: Fig. 15:7,11

جدول ۵. مشخصات سفال های ساسانی یوسف آباد



تصویر ۱۲. طرح سفال‌های ساسانی یوسف‌آباد

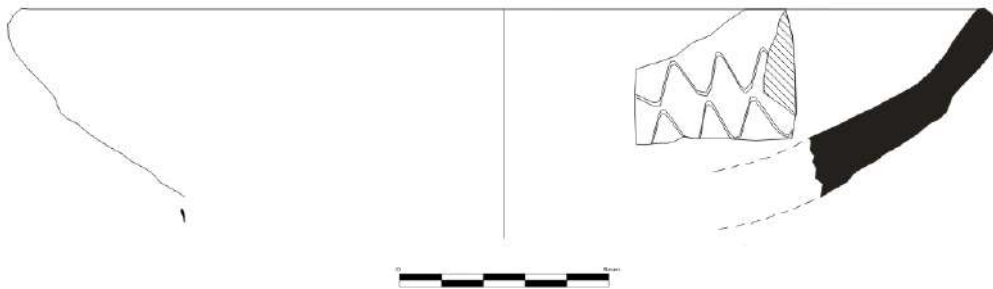
تپه اسحاق‌آباد

تپه اسحاق‌آباد که توسط اهالی محل به نام حصار نو نیز شناخته می‌شود در نیمه جنوب ربع جنوب‌شرقی شهرستان نیشابور واقع شده است. (تصویر ۱۳) این تپه در عرض ۳۶ درجه ۱ دقیقه و ۵۶ ثانیه شمالی و طول ۵۹ درجه شرقی واقع است. تپه در حاشیه غربی شهر امروزی اسحاق‌آباد قرار دارد و توسط ساخت و سازهای امروزی تهدید می‌شود. تپه اسحاق‌آباد دارای موقعیتی اساسی بر سر سه راهی است که در نتیجه تقاطع راه‌های قدمگاه - اسحاق‌آباد و اسحاق‌آباد به شهر کهن نیشابور ایجاد شده است. وجود قراولخانه‌ای احتمالاً صفوی در فاصله حدوداً ۲۰۰ متری شرق تپه، نشان از اهمیت استراتژیک تپه اسحاق‌آباد دارد.

سطح تپه اسحاق‌آباد فاقد پوشش گیاهی است و نشانه‌هایی از دیوارهای ستبر، بر وجود استحکامات عظیمی در این تپه دلالت دارد. ارتفاع ۵ متری دیوارهای جنوبی تپه، احتمال وجود سازه‌های معماری بزرگ را تقویت می‌کند. امروزه در بخش شرقی تپه، برش بزرگی ایجاد کرده‌اند و از آن به عنوان آغل حیوانات استفاده می‌کنند. تراکم پراکندگی سفال‌های این محوطه بسیار کم است و از میان سفال‌های مطالعه شده، بیش از یک سوم سفال‌ها متعلق به دوره ساسانی و مابقی به دوران اسلامی تعلق دارند. وجود قراولخانه‌ای مربوط به دوره تیموری یا صفوی احتمال تداوم استقرار در این تپه را تا ادوار متأخر اسلامی تقویت می‌کند. به احتمال زیاد در دوره قاجار، سکونت در این محوطه به کلی نابود شده است. (تصویر ۱۴؛ جدول ۶)



تصویر ۱۳. تپه اسحاق آباد



تصویر ۱۴. طرح سفال ساسانی اسحاق آباد

شماره	میزان پخت	آمیزه	رنگ سطح خارجی	رنگ خمیره	رنگ سطح داخلی	تزیینات	منابع مقایسه
۱	ناکافی	معدنی	نخودی	نارنجی	نخودی	خطوط کنده زیگزاگ موازی در سطح داخلی	Boucharlat and Lecomte 1987: Fig. 62:6; Trinkaus 1986: Fig. 16:9; Puschnigg 2006: Fig. 6.9; Puschnigg 2006: Fig. A3.19

جدول ۶. مشخصات سفال ساسانی اسحاق آباد

پیش از این خیلی بیشتر بوده و به گفته یکی از اهالی محل تا حدود ۳۰ سال قبل، ۵ متر مرتفع تر از وضعیت کنونی بوده است که خاک آن توسط بولدوزر به منظور استفاده زراعی به زمین‌های اطراف منتقل شده است.

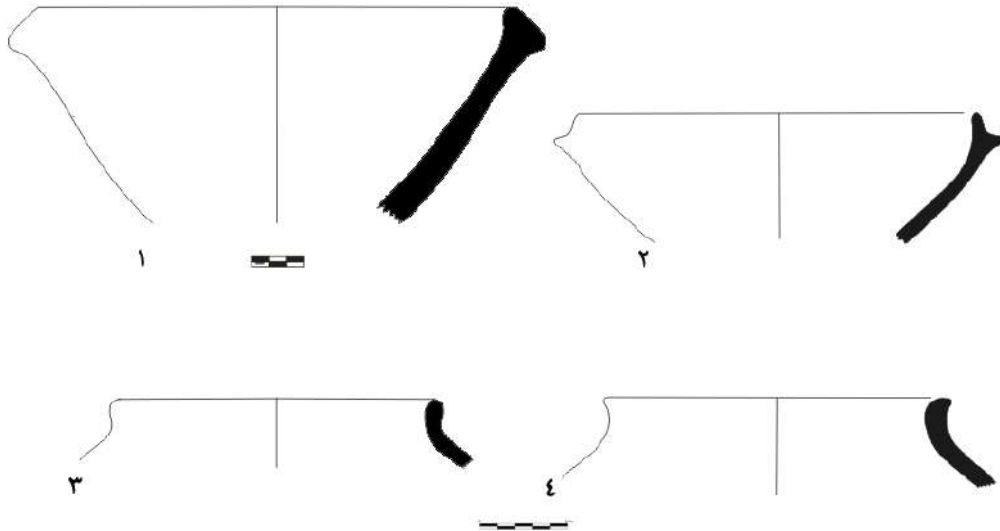
این تپه بدون شک دارای آثار معماری عظیم و با اهمیتی است که شناسایی آنها جز از گذر کاوش‌های علمی باستان‌شناسی امکان‌پذیر نیست. در بخشی از برش تپه که در پی حفاری‌های غیرمجاز رخ کرده است، لایه‌های خاکستر و فضولات تجزیه شده مشاهده می‌شود که نمودار گوشه‌ای از استقرار در این محوطه است. کلیه سفال‌های مطالعه شده از این محوطه به پیش از اسلام و احتمالاً به دوره ساسانی مربوط است. (تصویر ۱۶؛ جدول ۷)

تپه کلاته شور

محوطه کلاته شور در کنار راهی فرعی قرار گرفته است که روستای حسین‌آباد چخوکی را به جاده اصلی نیشابور ارتباط می‌دهد. این تپه در مختصات جغرافیایی ۳۶ درجه ۱ دقیقه و ۴ ثانیه شمالی و ۵۸ درجه و ۵۲ دقیقه و ۱۲ ثانیه شرقی و در جنوب جنوب‌شرق شهرستان نیشابور واقع شده است. محوطه کلاته شور از دو تپه شمالی، یک تپه بزرگ مرکزی و یک تپه کوچک جنوبی تشکیل یافته است. ارتفاع دو تپه شمالی تقریباً چسبیده به هم ۵ متر، تپه بزرگ مرکزی ۹ متر و تپه کوچک جنوبی حدوداً ۱/۵ متر از سطح دشت است. (تصویر ۱۵) فاصله تپه مرکزی از تپه‌های دوگانه شمالی ۵۰ متر و از تپه کوچک جنوب حدود ۷۰ متر است. ارتفاع تپه مرکزی



تصویر ۱۵. تپه کلاته شور



تصویر ۱۶. طرح سفال‌های ساسانی کلاته شور

منابع مقایسه	تزیینات	رنگ سطح داخلی	رنگ خمیره	رنگ سطح خارجی	آمیزه	میزان پخت	شماره
Boucharlat and Lecomte 1987: Fig. 69:1; Puschnigg 2006: Appendix 2: R144	فاقد تزیینات	نخودی	نارنجی	نخودی	معدنی	ناکافی	۱
Boucharlat and Lecomte 1987: Fig. 61:9; Trinkaus 1986: Fig. 14:11; لباف خانیکی، ۱۳۸۷، شکل ۵	فاقد تزیینات	قرمز	قهوه ای	قرمز	معدنی	کافی	۲
Boucharlat and Lecomte 1987: Fig. 64:5; Trinkaus 1986: Fig. 14:1; Puschnigg 2006: Appendix 2: R193	فاقد تزیینات	نارنجی	نارنجی	نخودی	معدنی	کافی	۳
Boucharlat and Lecomte 1987: Fig. 62:2; Trinkaus 1986: Fig. 13:1; Puschnigg 2006: Appendix 2: R44	فاقد تزیینات	قرمز	نارنجی	نخودی	معدنی	کافی	۴

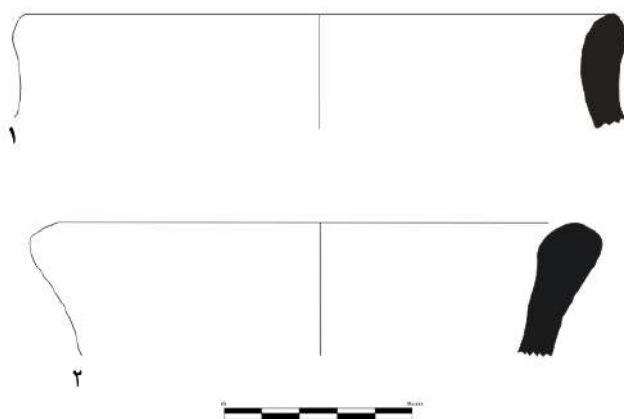
جدول ۷. مشخصات سفال‌های ساسانی کلاته شور

سفال‌های مربوط به محوطه یوسف‌آباد در زمینی به مساحت حدوداً ۴ هکتار پراکنده شده‌اند. سفال‌های این محوطه، از یک نوع بوده و فاقد نمونه مشابهی در میان سفال‌های دوره اسلامی نیشابور هستند. از طرف دیگر، بین سفال‌های این محوطه و سفال‌های ساسانی شناخته شده شباهت‌های شکلی قابل مشاهده است. رنگ و کیفیت بافت این قطعه سفال‌ها نشان می‌دهد که حرارت زیاد دریافت کرده‌اند و در برخی موارد، حرارت باعث ذوب سطح بیرونی ظروف شده است. (تصویر ۱۸؛ جدول ۸)

یوسف‌آباد اسحاق‌آباد محوطه یوسف‌آباد که در جنوب شرق شهرستان نیشابور واقع شده دارای مختصات جغرافیایی ۳۶ درجه و ۴ دقیقه و ۱ ثانیه شمالی و ۵۹ درجه و ۵۳ ثانیه شرقی است. از تفاع این محوطه از سطح دریا ۱۲۳۷ متر است. در جوار محوطه اسحاق‌آباد یک کارگاه بزرگ آجرپزی قرار گرفته که شاید دلیل نابودی محوطه اسحاق‌آباد، فعالیت‌های همین کارگاه و استفاده از خاک آن برای تهیه آجر بوده است. به هر حال امروزه هیچ اثری از معماری احتمالی ساکنان یوسف‌آباد وجود ندارد و سطح محوطه، کاملاً همتراز با سطح دشت شده است. (تصویر ۱۷)



تصویر ۱۷. محوطه یوسف‌آباد اسحاق‌آباد



تصویر ۱۸. طرح سفال‌های ساسانی یوسف‌آباد اسحاق‌آباد

شماره	میزان پخت	آمیزه	رنگ سطح خارجی	رنگ خمیره	رنگ سطح داخلی	تزیینات	منابع مقایسه
۱	کافی	معدنی	نخودی	نارنجی	قرمز	فاقد تزیینات	Boucharlat and Lecomte 1987: Fig. 64:5
۲	کافی	معدنی	قرمز	نارنجی	نخودی	فاقد تزیینات	Boucharlat and Lecomte 1987: Fig. 68:3

جدول ۸. مشخصات سفال‌های ساسانی یوسف‌آباد اسحاق‌آباد

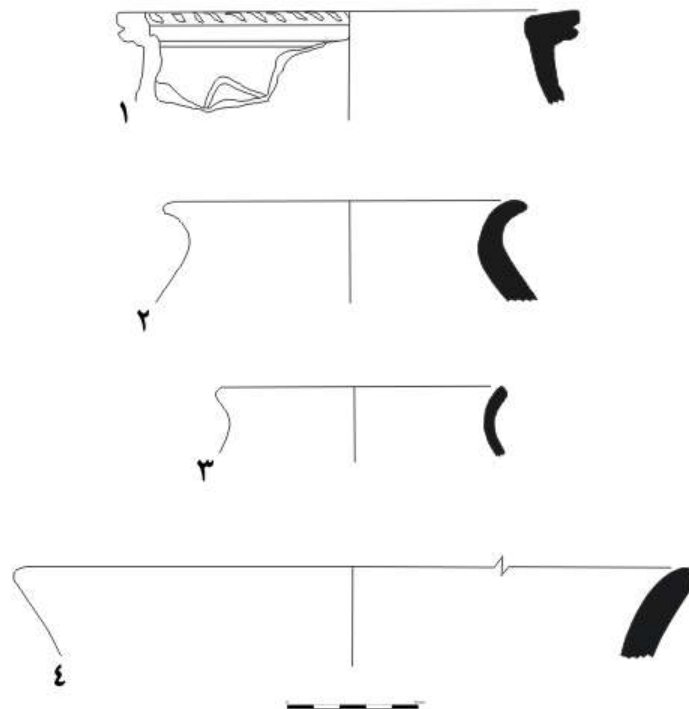
تپه خسروآباد (تپه برج)

تپه خسروآباد در ۱/۴ کیلومتری جنوب روستای امروزی ساحل برج و در جنوب شرق شهرستان نیشابور واقع شده است. عرض شمالی موقعیت این تپه ۳۶ درجه و ۶ دقیقه و ۱۸ ثانیه و طول شرقی آن ۵۸ درجه و ۵۹ دقیقه و ۱۰ ثانیه است و در حدود ۱۴ متر نسبت به دشت ارتفاع دارد. تپه خسروآباد در حدود ۱۶ هکتار وسعت دارد و امروزه به صورت مخروطی سربریده دیده می شود که احتمالاً بخشی از آثار فوقانی آن توسط کشاورزان به زمین های اطراف انتقال داده شده است. (تصویر ۱۹)

تراکم تعداد سفال های پراکنده در سطح تپه خسروآباد عموماً متعلق به دوره برنز و نیز دوره مس سنگی است. در میان سفال های مطالعه شده تپه خسروآباد، سفال هایی متعلق به اواخر دوره ساسانی و سده های اولیه دوره اسلامی مشاهده می شود. (تصویر ۲۰؛ جدول ۹) تپه خسروآباد یا برج در سال ۱۳۸۴ توسط هیأتی به سرپرستی عمران گاراژیان به تفصیل مورد کاوش و بررسی قرار گرفته است (گاراژیان ۱۳۸۷؛ دانا و دیگران ۱۳۹۱).



تصویر ۱۹. تپه خسروآباد (تپه برج)



تصویر ۲۰. طرح سفال های ساسانی خسروآباد (تپه برج)

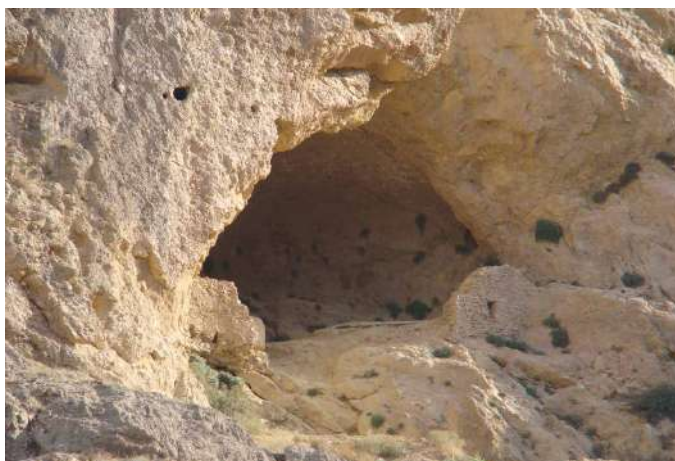
شماره	میزان پخت	آمیزه	رنگ سطح خارجی	رنگ خمیره	رنگ سطح داخلی	تزیینات	منابع مقایسه
۱	کافی	معدنی	نخودی	نخودی تیره	نخودی تیره	نقوش کنده موجی بر بدنه و لبه کنگره‌ای	Trinkaus 1986: Fig. 12:14; 16:7
۲	کافی	معدنی	نخودی تیره	قهوه ای	نخودی تیره	فاقد تزیینات	Boucharlat and Lecomte 1987: Fig. 65:4; Trinkaus 1986: Fig. 13:2; Puschnigg 2006: Fig. 6.10
۳	کافی	معدنی	نارنجی	نارنجی	نارنجی	فاقد تزیینات	Trinkaus 1986: Fig. 14:2
۴	کافی	معدنی	خاکستری	خاکستری	خاکستری	فاقد تزیینات	Boucharlat and Lecomte 1987: Fig. 67:2

جدول ۹. مشخصات سفال‌های ساسانی خسروآباد یا برج

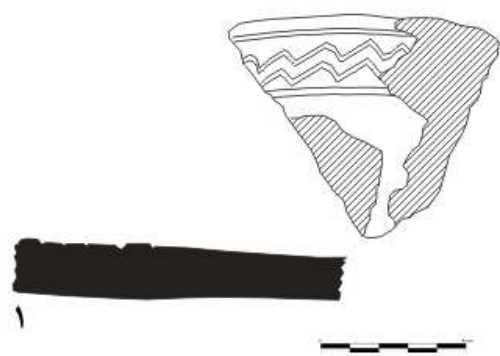
این حفره‌ها که دارای ساختاری تقریباً مشابه هستند، به تعداد ۶ عدد در دیوار غار کنده شده‌اند. ابعاد دهانه این حفره‌ها از ۵۰ تا ۱۰۰ سانتی‌متر متغیر است. (تصویر ۲۱) آثار تیشه بر دیواره داخلی این دخمه‌های سنگی پیداست و فضای درونی آن‌ها دود خورده است. داخل این اتاق‌های دستکند، تا جایی که مورد بررسی قرار گرفت، فاقد مواد فرهنگی است و تعداد کمی سفال بر سطح فضای داخلی غار مشاهده می‌شود. در جلوی دهانه غار دیواری از سنگ لاشه و ملاط گچ احداث شده است. ارتفاع این دیوار ۱۷۰ سانتی‌متر بوده و بخش شرقی و غربی آن ۷ متر از یکدیگر فاصله دارند. بر روی بدنه داخلی بخش غربی دیوار، دو طاقچه و در بخش شرقی، روزنه‌ای به ابعاد ۴۰×۴۰ سانتی‌متر مشاهده می‌شود. از میان سفال‌های مطالعه شده، یک سوم سفال‌ها متعلق به دوره ساسانی و مابقی مربوط به دوره سلجوقی تشخیص داده شد. (تصویر ۲۲؛ جدول ۱۰)

بزه غار

بزه غار در جنوب شمال شرقی نیشابور و به مختصات جغرافیایی ۳۶ درجه و ۱۲ دقیقه و ۵۲ ثانیه شمالی و ۵۸ درجه و ۵۹ دقیقه و ۲۴ ثانیه شرقی در ارتفاع ۱۶۳۴ متر از سطح دریا و بر دامنه کوه‌های بینالود قرار دارد. اهمیت این غار به حدی است که نام خود را به دره مجاور خود (بزه غار = بازه غار = دره غار) داده است. نزدیکترین آبادی به غار مذکور، روستای سوقند است که در ۱/۵ کیلومتری جنوب غار واقع شده است. این غار در ارتفاع حدوداً ۸۵ متر از بستر دره مجاور واقع شده و می‌توان پس از طی مزارع و باغات وابسته به روستای سوقند به آن راه یافت. بزه غار که در میان صخره‌های زرد رنگ گوگردی بینالود به صورت طبیعی شکل گرفته دارای ۱۳/۸ متر عرض، ۷ متر ارتفاع و ۱۰ متر عمق است. اما آنچه که این غار را به عنوان اثری فرهنگی اهمیت می‌بخشد، وجود حفره‌هایی بر بدنه داخلی این غار است.



تصویر ۲۱. بزه غار



تصویر ۲۲. طرح سفال ساسانی بزه غار

شماره	میزان پخت	آمیزه	رنگ سطح خارجی	رنگ خمیره	رنگ سطح داخلی	تزیینات	منابع مقایسه
۱	کافی	معدنی	نخودی	نخودی	نخودی	خطوط کنده موجی موازی بین دو خط موازی کنده	Trinkaus 1986: Fig. 16:9; Puschnigg 2006, Fig. A3.19

جدول ۱۰. مشخصات سفال ساسانی بزه غار

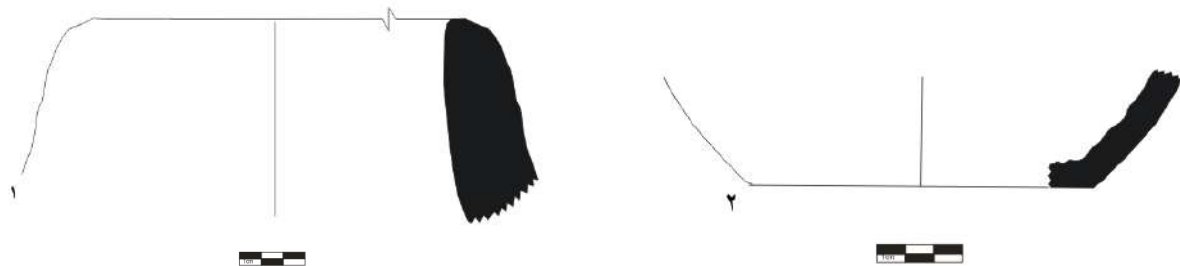
پیرگز

امروزی از اعماق زمین به سطح منتقل شده بود. بافت ماسه‌ای خاک ناحیه‌ای که تپه پیرگز در آن واقع شده بدون شک آثار معماری قدیم را کاملاً مدفون ساخته و برآمدگی تپه نشان از وجود سازه‌هایی در زیر سطح کنونی دشت دارد. (تصویر ۲۳) از میان معدود سفال‌هایی که از کنار گور متأخر در مجاور دامنه شمالی تپه جمع‌آوری شد، نیمی به دوره ساسانی و نیم دیگر احتمالاً به دوره سلجوقی مربوط است و نشان‌دهنده آن هستند که احتمالاً در زیر ماسه‌های دشت، آثار تمدنی مربوط به دوره ساسانی و اسلامی نهفته شده باشد. (تصویر ۲۴؛ جدول ۱۱)

تپه پیرگز در جنوب غربی شهرستان نیشابور و در ۸۰۰ متری جاده آسفالت عشق آباد- اردمه قرار دارد. مختصات جغرافیایی این تپه عبارتست از: ۳۶ درجه و ۲ دقیقه و ۲۱ ثانیه عرض شمالی و ۵۸ درجه و ۳۶ دقیقه و ۵۰ ثانیه طول شرقی. تپه پیرگز امروزه به صورت تپه‌ای ماسه‌ای و پوشیده از درختچه‌های گز دیده می‌شود که در پیرامون آن گورستان اهالی روستای مجاور تپه گسترده شده است. بر سطح تپه و زمین‌های اطراف آن به ندرت خرده سفال قدیمی دیده می‌شود و سفال‌های جمع‌آوری شده از این محوطه، لابلای خاکی مشاهده شد که در نتیجه حفر یک گور



تصویر ۲۳. محوطه پیرگز



تصویر ۲۴. طرح سفال‌های ساسانی پیرگز

شماره	میزان پخت	آمیزه	رنگ سطح خارجی	رنگ خمیره	رنگ سطح داخلی	تزیینات	منابع مقایسه
۱	کافی	معدنی	قهوه‌ای تیره	خاکستری	قهوه‌ای تیره	فاقد تزیینات	Trinkaus 1986: Fig. 12:17
۲	کافی	معدنی	نخودی	قهوه‌ای	قهوه‌ای	فاقد تزیینات	Boucharlat and Lecomte 1987: Fig. 69:6; Trinkaus 1986: Fig. 15:13

جدول ۱۱. مشخصات سفال‌های ساسانی پیرگز

تپه عشق آباد

تپه عشق آباد متشکل از تپه ماهورهایی در ۵۰۰ متری روستای مسکونی عشق آباد و در جنوب غرب شهرستان نیشابور، در مختصات ۳۶ درجه و ۱ دقیقه و ۴۸ ثانیه شمالی و ۵۸ درجه و ۴۰ دقیقه و ۱۵ ثانیه شرقی واقع شده است. مساحت این محوطه در حدود ۸ هکتار است که جاده عشق آباد- اردمه از میانه آن گذشته است. نزدیکترین مرکز جمعیتی امروز به تپه عشق آباد، شهر عشق آباد است که در فاصله حدود ۵۰۰ متری شمال شرق این تپه قرار دارد. بافت خاک بستر تپه عشق آباد

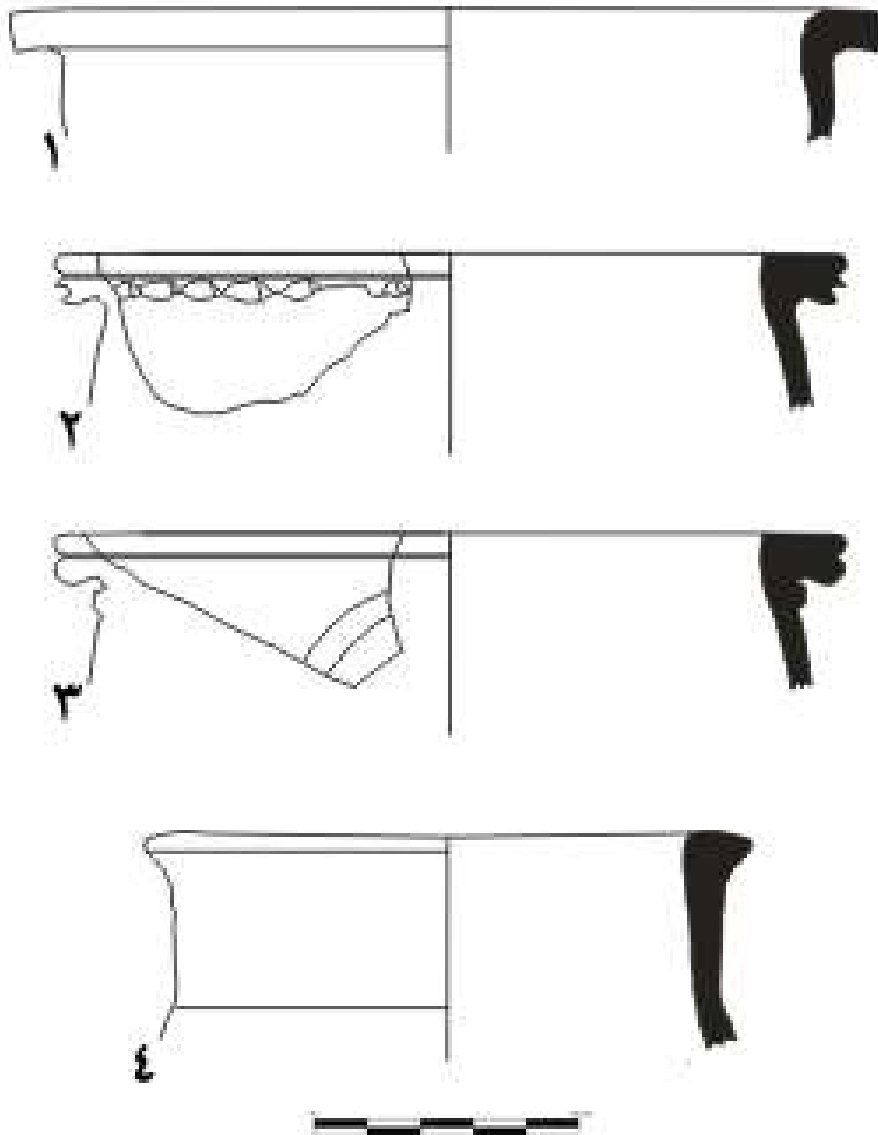
ماسه ای است و به همین دلیل آثار فرهنگی این تپه بایستی در زیر چندین متر ماسه نهفته باشد. (تصویر ۲۵)
سفال‌های پراکنده بر سطح، در نتیجه حفر چند چاله بزرگ توسط حفاران قاچاق آشکار شده اند. در میان سفال‌های مطالعه شده، نیمی مربوط به دوره ساسانی و مابقی مربوط به دوره اسلامی می باشد که نشان از تداوم استقرار در این محوطه از دوره ساسانی تا دوره تیموری دارد. پراکندگی سفال‌های ساسانی در شمال و شمال شرق تپه نسبت به دیگر نقاط، از تراکم بیشتری برخوردار است. (تصویر ۲۶؛ جدول ۱۲)



تصویر ۲۵. محوطه عشق آباد

شماره	میزان پخت	آمیزه	رنگ سطح خارجی	رنگ خمیره	رنگ سطح داخلی	تزیینات	منابع مقایسه
۱	کافی	معدنی	نارنجی	نارنجی	نارنجی	فاقد تزیینات	Trinkaus, 1986, Fig. 12:14; 16:7
۲	کافی	معدنی	نارنجی	نارنجی	نارنجی	خط کنده و اثر فشار بر روی لبه	Trinkaus, 1986, Fig. 12:14; 16:7
۳	کافی	معدنی	نخودی	نخودی	نخودی	خط کنده روی لبه	Trinkaus, 1986, Fig. 12:14; 16:7
۴	کافی	معدنی	نخودی	نخودی	نخودی	فاقد تزیینات	Trinkaus, 1986, Fig. 12:11; 14:6; Puschnigg, 2006, Fig. 6.9; Appendix 2: R34

جدول ۱۲. مشخصات سفال‌های ساسانی عشق آباد



تصویر ۲۶. طرح سفال‌های ساسانی عشق آباد

از این دژها معرفی شده است که اغلب آنها در زمان بازدید مورخان مسلمان متروک بوده‌اند و در برخی از دژها همچنان دیهگانی زندگی می‌کرده است (آلتهاپیم و استیل ۱۳۸۲: ۱۵۸). در نتیجه به نظر می‌رسد تپه‌های واقع در محوطه‌های ساسانی نیشابور احتمالاً از فرسایش ارگ یا دژی پدید آمده‌اند که زمانی محل اقامت دیهگان را تشکیل می‌داده است. فاصله‌ی محوطه‌های ساسانی نیشابور به آب‌های سطحی نیز از الگوی تقریباً یکسانی پیروی می‌کند و در گزینش مکان استقرار، نزدیک‌ترین فاصله‌ی ممکن به رودخانه‌ها لحاظ شده است. همچنین حضور شهر مرکزی نیشابور، یکی از عوامل تعیین‌کننده در مکان‌گزینی استقرارهای روستایی دوره‌ی ساسانی محسوب می‌شده است. (جدول ۱۳)

محوطه‌های ساسانی شناسایی‌شده در دشت نیشابور دارای ویژگی‌های مشترکی هستند که بر اشتراک نیازها و شیوه‌ی معیشت جوامع دوره‌ی ساسانی در این منطقه‌ی جغرافیایی دلالت دارد.

بارزترین اشتراک ریخت‌شناختی این محوطه‌ها آن است که اغلب متشکل از یک تپه‌ی نسبتاً مرتفع هستند. احتمال می‌رود که این محوطه‌ها عموماً «دیه»‌هایی بوده‌اند که طبق جغرافیای اداری دوره‌ی ساسانی بر گرد شهر واقع شده (رک. لباف خانیکی ۱۳۹۱: ۱۲۶-۱۲۷) و توسط یک دیهگان (دهقان) اداره می‌شدند. به گزارش مقدسی، دهقانان در یک خانه‌ی اربابی یا دژ سکونت داشتند (مقدسی ۱۳۶۱: ۳۹۸). در گزارش‌های تاریخی، شرق ایران به‌صورت سرزمینی مملو از

نام محوطه	ارتفاع از سطح دریا (متر)	ارتفاع تپه مرکزی (متر)	فاصله از نزدیک ترین رودخانه (متر)	فاصله از نزدیک ترین محوطه (کیلومتر)	فاصله از شهر کهن نیشابور (کیلومتر)	فاصله از رشته کوه بینالود (کیلومتر)
تپه کهندژ نیشابور	۱۲۵۰	۱۵	۰	۱۳/۹	۰	۱۲
سرده	۱۱۴۹	۳	۶۰۰	۹/۱	۲۸/۱	۳۱
توزنده جان	۱۱۲۸	۱۹	۵۰۰	۹/۱	۳۱/۷	۲۶
علی آباد	۱۱۰۷	۳	۳۷۰۰	۹/۱	۲۸/۱	۳۱
یوسف آباد	۱۱۸۱	۵	۳۰۰۰	۱۰/۵	۲۴/۶	۱۶
اسحاق آباد	۱۲۰۲	۵	۳۰۰۰	۴/۱	۲۰/۹	۱۰
کلاته شور	۱۱۶۵	۹	۱۰۰۰	۱۱/۸	۱۷/۱	۲۱
یوسف آباد اسحاق آباد	۱۲۳۷	۰	۱۰۰۰	۵	۱۹/۲	۷
خسروآباد (تپه برج)	۱۲۴۲	۱۴	۳۰۰۰	۵	۱۴/۷	۷
بزه‌غار	۱۶۳۴	۰	۱۰۰	۱۲/۳	۱۶	۰
پیرگز	۱۱۲۷	۱	۲۰۰	۱۰/۵	۲۵/۵	۳۶
عشق آباد	۱۱۴۵	۲	۱۰۰۰	۵/۲	۲۲	۳۲

جدول ۱۳. مشخصات مکانی محوطه‌های ساسانی دشت نیشابور

هر یک از محوطه‌های مطالعه شده از قواعدی پیروی کرده که کشف هر قاعده نیازمند استنباط‌های باستان‌شناختی است. هموار بودن دشت نیشابور و عدم وجود عارضه‌ی جغرافیایی تأثیرگذاری مثل چین‌خوردگی‌های مرتفع، رودخانه‌های عریض و یا گسل‌های عمیق، احتمال تأثیر عوامل طبیعی مزبور در مکان‌گزینی استقرارهای دوره‌ی ساسانی دشت نیشابور را منتفی می‌سازد. اما منابع آب سطحی، مخروط‌افکنه‌ها و زمین‌های آبرفتی را می‌توان از جمله عوامل طبیعی تأثیرگذار بر الگوی استقراری دشت نیشابور قلمداد کرد.

الف) نقش منابع تأمین آب در مکان‌گزینی استقرارهای ساسانی دشت نیشابور

مؤثرترین عامل در تداوم یا فروپاشی استقرارهای باستانی، مسئله آب بوده است. اگرچه در دوران تاریخی با ابداع قنات تا حدود زیادی، وابستگی به آب‌های سطح‌الارضی مرتفع شد اما تا اوایل اسلام، آب‌های جاری در بستر رودخانه و مسیل‌ها همچنان به عنوان یکی از منابع مهم تأمین آب محسوب می‌شد. (تصویر ۱) در تپه خسروآباد (برج) که دربردارنده‌ی طولانی‌ترین استقرارهای پیش‌ازتاریخ در دشت نیشابور است (نک. ۵۸-۵۶: Garazhian 2012)، ارتباط استقرار یک جامعه‌ی پیش‌ازتاریخ با آب‌های سطحی به خوبی قابل دریافت است. دیگر محوطه‌های شناسایی‌شده، دارای فاصله‌ای معنادار با آب‌های سطحی هستند. شهر کهن نیشابور در موقعیتی واقع

تحلیل الگوی استقراری دشت نیشابور در دوره‌ی ساسانی

الگوی استقراری عبارت است از کیفیت پراکندگی محوطه‌های استقراری در یک منطقه‌ی جغرافیایی معین و ارتباط فضایی هر محوطه با محوطه‌ی دیگر (Grossman and Katz 1992: 58) و باستان‌شناسی الگوی استقراری به مطالعه‌ی این ارتباط و تحلیل پراکنش محوطه‌های باستانی با توجه به عوامل محیطی و شاخصه‌های منظر فرهنگی می‌پردازد (Darvill 2007). الگوی استقراری را در یک دوره‌ی خاص عوامل طبیعی و فرهنگی تعیین می‌کنند. عوامل طبیعی یا عارضه‌های جغرافیایی در مکان‌گزینی یک استقرار انسانی تأثیر به‌سزایی دارند. استقرارهایی که عمدتاً در دوران پیش‌ازتاریخ شکل گرفته‌اند بیشتر متکی بر امکاناتی بوده‌اند که طبیعت در اختیار آنها قرار می‌داد. این امکانات شامل زمین‌های حاصلخیز، منابع آب، حصارهای دفاعی طبیعی و مراتع انبوه بود.

در دوران تاریخی و دوران اسلامی علاوه بر امکانات مذکور، عوامل فرهنگی نیز در مکان‌گزینی و تداوم استقرار در یک سکونتگاه نقش آفریده‌اند. عوامل فرهنگی شامل هرگونه اثر یا عملی می‌شود که در نتیجه فعالیت انسانی خلق شده باشد. راه‌ها، قنات‌ها، مراکز اقتصادی و سیاسی و رویدادهای تاریخی از جمله عوامل فرهنگی تعیین‌کننده‌ی الگوهای استقراری بالاخص در دوران تاریخی هستند. مکان‌گزینی استقرارهای ساسانی در دشت نیشابور از هر دو گروه عوامل مذکور تأثیر پذیرفته است. تکوین استقرارها و تداوم حیات در

آب عطش‌آباد از حدود میدان سلطان برمی‌خیزد و به وقت بهار بیست آسیا گردان باشد...» (مستوفی ۱۳۶۲: ۲۲۶-۲۲۸).

بستر عمیق دو جریان اصلی خالق و ماروس در غرب دشت نیشابور نیز نشانه‌ای است از جریان‌های شدید آب. علاوه بر این، مجاورت اغلب محوطه‌های ساسانی در کنار مسیل‌هایی که امروزه خشک است، حکایت از جاری بودن آب در این آبراهه‌ها در روزگار باستان دارد. مطالعات باستان‌شناسی و باستان‌جانورشناسی در دامنه‌های جنوبی کوه چهل تن و دشت فیض‌آباد (درویش و لباف خانیکی ۱۳۸۱) نشان می‌دهد که از زمان آخرین عصر یخبندان تا به امروز، روند تغییرات اقلیمی منجر به گرم و خشک‌تر شدن ناحیه‌ی مورد مطالعه شده است.

همانگونه که احتمالاً دره‌های پهن و عمیق دامنه‌های جنوبی کوه چهل تن (در جنوب دشت نیشابور) در ادوار کهن، بستر جریان‌های سطحی خروشان بوده‌اند (درویش و لباف خانیکی ۱۳۸۱: ۳۹)، دره‌ها و مسیل‌های دامنه‌های شمالی این رشته‌کوه با ارتفاع ۳۰۱۳ متر، آب‌های حاصل از انباشت نزولات جوی را به دشت نیشابور هدایت می‌کرده و در نهایت به کال شور می‌ریخته‌اند. با طرح این احتمال، مجاورت دو محوطه‌ی تاریخی کلاته شور و پیرگز با مسیل‌هایی که امروزه خشک است، معنا می‌یابد. این استدلال برای بخش شمالی دشت نیشابور و دامنه‌های جنوبی رشته کوه بینالود نیز قابل تعمیم است. کم‌اینکه ارتفاع بیشتر بینالود و شیب تندتر دامنه‌های آن، استعداد بیشتری برای انباشت و هدایت آب به دشت دارا بوده است.

گذشته از موضوع بهره‌برداری از آب‌های سطحی، حفر قنات در دوره‌ی تاریخی توانسته است تا مدتی استقرار را در محوطه‌هایی که پیش از آن از آب رودخانه‌ها بهره می‌بردند، تداوم بخشد. براساس گزارش‌های تاریخی، در سده‌های اولیه‌ی دوره‌ی اسلامی منابع آب اهالی دشت نیشابور از قنات‌ها و رودخانه‌ها تأمین می‌شده است (ابن رسته ۱۳۶۵: ۲۰۰؛ اصطخری ۱۳۷۳: ۲۷۰-۲۷۱؛ ابن حوقل ۱۳۶۶: ۱۶۸-۱۶۶). اما با خشک شدن تدریجی رودخانه‌ها و کاهش نزولات جوی، به مرور، شاهد نزدیک‌تر شدن هر چه بیشتر محوطه‌های استقراری به دامنه‌های جنوبی بینالود هستیم. این فرایند، امکان بهره‌برداری بیشتر از اراضی حاصلخیز کوهپایه‌ای و خاک آبرفتی مخروط‌افکنه‌ها را میسر ساخته و در سده چهارم هجری سبب رونق باغداری و توسعه کشاورزی در بخش کوهپایه‌ای ارباع مازل و بشفروش نیشابور، شده بود (نک. مقدسی ۱۳۶۱: ۴۶۳-۴۶۴). از سوی دیگر، استقرارهای شکل گرفته در نزدیکی بینالود، آب‌های سطحی را به منظور

شده است که از آب رودخانه‌ی دائمی بوژان بهره می‌برده است (Fouache et al. 2011:114). سه محوطه‌ی مهم یوسف‌آباد، تونزنده جان و سرده در ارتباط بلافصل با دو شاخه‌ی خالق و ماروس قرار دارند. تپه‌ی علی‌آباد در میان دو نهر واقع شده و تپه‌ی پیرگز، کلاته شور و اسحاق‌آباد علاوه بر این که در کرانه‌ی جریان‌های فصلی قرار گرفته‌اند دارای میانگین فاصله‌ی ۴ کیلومتر با جریان اصلی کال شور هستند. یوسف‌آباد اسحاق‌آباد به همان نسبت که از شواهد معماری کمتر و سفالینه‌هایی با کیفیت نامرغوب در پخت و ساختار برخوردار است، از جریان‌های سطحی دورتر است. اما همین محوطه نیز در امتداد دره‌ای است که در بستر آن، رودخانه‌ی دایمی خرو جریان دارد. بزه‌غار نیز به دلیل مجاورت با دامنه‌های جنوبی بینالود، از آب سرشار رودخانه‌ها و چشمه‌ها برخوردار بوده و هست.

آنچه امروز در سطح دشت نیشابور، بالاخص در فصل‌های کم باران، قابل مشاهده است، مسیل‌های خشکی است که عموماً به مسیل مرکزی و شرقی - غربی کال شور منتهی می‌شود. کال شور نیز همانگونه که از نامش پیداست، اگر خشک نباشد، چنان آب شور و تلخی دارد که حیات را از موجودات پیرامونش دریغ می‌دارد. هنوز تحقیقات میدانی و جامعی درباره‌ی اقلیم باستان دشت نیشابور انجام نشده است، اما از توصیفات هفتصد سال قبل حمدالله مستوفی درباره‌ی رودهای خروشان نیشابور، می‌توان تصویری از آب‌های جاری در دشت نیشابور به‌دست آورد:

«آب شوره رود به نیشابور بر میان ولایت نیشابور می‌گذرد و آبهای جبال طرفین نیشابور بدو پیوندند و مجموع ولایات نیشابور بدان زراعت می‌کنند، آب دزدباد از کوه دزباد برمی‌خیزد... آب سخت از جبال سخت بر می‌خیزد و به ولایت نیشابور و آن موضع و چند موضعی دیگر را آب دهد... آب خرو از جبال حدود نیشابور برمی‌خیزد و در آن دیه و دیگر از قرای آن حدود رود... بوشتحقان رود (توشنقان) از حدود چشمه سبز برمی‌خیزد و تا نیشابور برسد... آب پشت فروش (بشتنفروش) از کوه دررود برمی‌خیزد. و بیشتر فروش و اسقریش و دیگر مواضع برسد... آب خجک از آن کوه‌ها برمی‌خیزد... آب فرخک از کوه‌های حدود چشمه سبز برمی‌خیزد و در زراعت مواضع منتهی شود... آب دهر هم از حدود چشمه سبز برمی‌خیزد و در ولایت و شهر نیشابور منتهی می‌شود... آب بقیران از جبال آن حدود برمی‌خیزد و در زراعت مواضع منتهی می‌شود... آب چارسفرد دو شعبه است یکی از جبال باردویه برمی‌خیزد و یکی از جبال طغان و چارسف و با هم پیوسته مواضع آن حدود را سقی کند...»

این منطقه هستیم. در میان محوطه‌های شناسایی شده، سه محوطه هستند که قابلیت پذیرش استقرار از دوره‌ی ساسانی به بعد را از دست داده‌اند. این سه محوطه عبارتند از خسروآباد (تپه برج)، کلاته شور و یوسف‌آباد اسحاق‌آباد که محوطه‌ی اخیر، تنها استقرارگاه تک‌دوره‌ای در میان محوطه‌های شناسایی شده به شمار می‌رود.

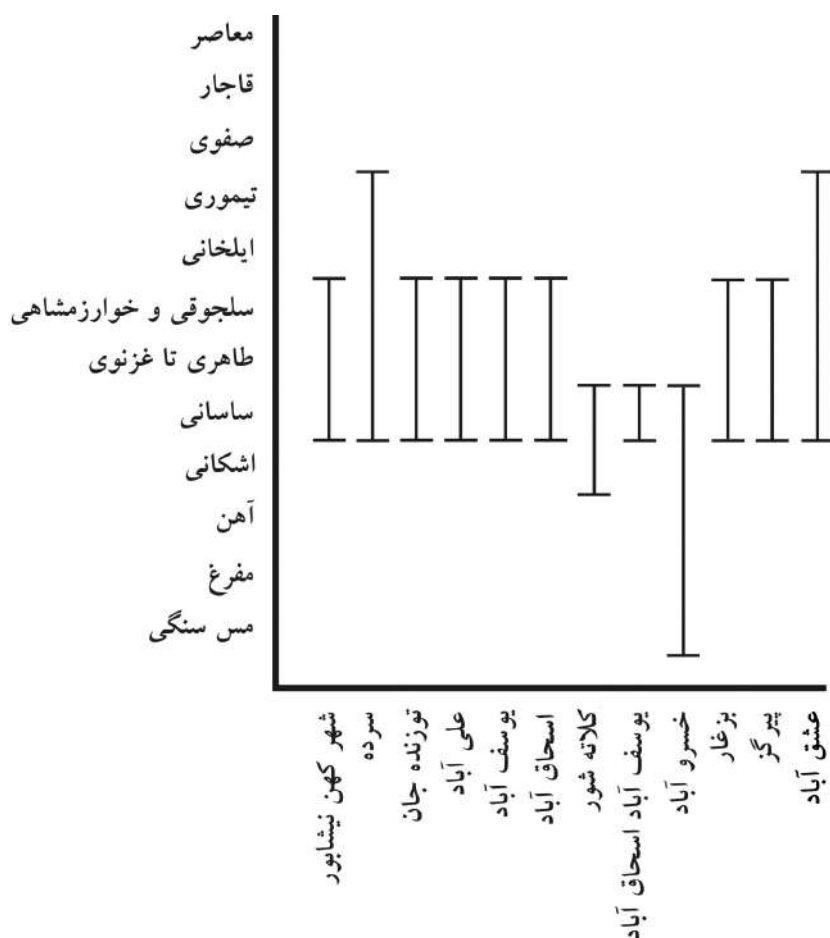
ج) ارتباط فضایی محوطه‌های ساسانی دشت نیشابور
فاصله‌ی محوطه‌ها از یکدیگر و فاصله‌ی هر محوطه از شهر کهن نیشابور ترتیب معناداری را نشان می‌دهد. فاصله‌ی محوطه‌ها از یکدیگر بین ۸ تا ۱۱ کیلومتر متغیر است و بدین ترتیب میانگین فاصله‌ی محوطه‌ها از یکدیگر را می‌توان ۹/۵ کیلومتر فرض کرد. فاصله‌ی میان سکونتگاه‌های شناسایی شده گاه از ترتیب کلی پیروی نمی‌کند. این بی‌نظمی یک بار در کرانه جنوبی کال شور، یک بار در بخش شرقی دشت و بار دیگر در مجاورت دامنه‌های جنوبی بینالود تکرار شده است. در کرانه جنوبی کال شور از طرفی شاهد نزدیکی بیش از حد دو محوطه عشق‌آباد و پیرگر و از طرف دیگر دوری بیش از اندازه عشق‌آباد و کلاته

آبیاری باغ‌ها و زمین‌های کشاورزی مهار ساخته و این عامل نیز در کاهش تراکم تعداد سکونتگاه‌ها در قسمت‌های مرکزی و جنوبی دشت تأثیر زیادی گذاشت.

ب) ادوار استقرار در محوطه‌های بررسی شده

در میان تپه‌های بررسی شده‌ی دشت نیشابور، تپه‌ی خسروآباد (برج) دربردارنده‌ی طولانی‌ترین مدت زمان استقرار است. پس از آن تپه عشق‌آباد با بازه‌ی زمانی استقرار از دوره‌ی اشکانی تا تیموری و سپس محوطه سرده با استقرار از زمان ساسانی تا تیموری به ترتیب دومین و سومین رتبه را در تداوم استقرار دارا هستند. با توجه به شباهت ادوار استقراری ۹ محوطه از ۱۲ محوطه مورد بررسی، می‌توان گفت دوره‌ی ساسانی تا پایان دوره سلجوقی، اوج زمان شکل‌گیری استقرار و تداوم حیات در دشت نیشابور بوده و حمله‌ی مغول در سال ۶۱۸ هجری نقش عمده‌ای در متروک شدن سکونتگاه‌های دشت نیشابور داشته است. (تصویر ۲۷)

پس از دوره‌ی ایلخانی و بازگشت ثبات نسبی به دشت نیشابور، به تدریج شاهد شکل‌گیری استقرارهای جدیدی در



تصویر ۲۷. نمودار تطبیقی ادوار استقرار در محوطه‌های تاریخی دشت نیشابور

تاریخی در این بخش از دشت نیشابور، به معنای عدم وجود استقرار باستانی در این منطقه نیست برخوردار از آب‌های سطحی مداوم، زمین‌های کشاورزی حاصلخیز واقع بر مخروط‌افکنه‌های رشته‌کوه نیشابور، ارتفاع بیشتر نسبت به دیگر نقاط دشت، مجاورت با راه ابریشم و... از جمله عواملی است که یقیناً استقرارهای گسترده و دیرپایی را در همسایگی دامنه‌های جنوبی بینالود شکل می‌داده است.

شکل‌گیری یک محوطه‌ی باستانی در بخش معینی از منظر فرهنگی، تابعی است از شرایط محیطی، و استقرار مجدد در یک محیط بیانگر استمرار تنوع منابع طبیعی در آن منطقه است (Tiffany and Abbott 1982:315). اما دقیقاً همان عواملی که بستر شکل‌گیری استقرارهای تاریخی را در این منطقه شکل داده، باعث نابودی و محو آثار آن استقرارها نیز شده است. با نگاهی به سیمای امروزی دشت نیشابور درمی‌یابیم که پراکندگی روستاها، شهرها، شهرک‌های صنعتی و باغ‌های نیشابور در بخش شمالی دشت نیشابور از بیشترین تراکم برخوردار است.

فعالیت‌های اخیر در امر خانه‌سازی و باغداری، یا محوطه‌های باستانی را به کلی نابود کرده یا چنانچه اثری از آنها باقی مانده باشد، در زیر پوشش متراکم باغ‌های میوه از نظر پنهان است. البته همه‌ی تقصیر را نباید به گردن مردمان امروز انداخت. زمین‌های مورد بحث به همان اندازه که حاصلخیز و مساعد برای استقرارند، بستر نهفته شدن رسوباتی را تشکیل می‌دهند که از دامنه‌های بینالود به سوی دشت سرازیر می‌شوند. بر این اساس می‌توان دشت نیشابور را از لحاظ رسوب‌گذاری به دو بخش شمالی و جنوبی تقسیم کرد که بخش شمالی آن بیشتر بستر آبرفت‌ها و بخش جنوبی آن بستر بادرفتها است. بنابراین، منظر فرهنگی دشت نیشابور بر اساس طبقه‌بندی کریستوفر تابلر (Taylor 1972) جزو مناطقی قلمداد می‌شود که به مرور، نشانه‌های استقرارهای باستانی در آنها محو می‌شود. وی از این مناطق با عنوان مناظر فرهنگی ناماندگار (non-survival landscapes) در مقابل مناظر فرهنگی ماندگار (survival landscapes) یاد می‌کند (لباف‌خانیکی ۱۳۸۵: ۱۱۸).

د) نقش شهر نیشابور در مکان‌گزینی محوطه‌های ساسانی دشت نیشابور

فاصله‌ی هر یک از محوطه‌های ساسانی با محوطه‌ی مرکزی شهر کهن نیشابور نیز از نظم منطقی پیروی می‌کند. درحالی‌که میانگین فاصله‌ی میان هر دو محوطه‌ی ساسانی شناسایی شده با هم، به استثنای کهن‌دژ شهر کهن نیشابور،

شور هستیم. پیرگز با توجه به وسعت، ارتفاع و سفال‌های مطالعه شده چنان سکونتگاه مهمی نبوده که بتواند کاملاً مستقل به حیات خود ادامه دهد. از سوی دیگر مهمترین محوطه‌ی این ناحیه یعنی عشق‌آباد، نزدیکترین سکونتگاه به پیرگز به شمار می‌رود. از این رو می‌توان پیرگز را یکی از اقمار وابسته به عشق‌آباد تصور کرد که لزوم برآورده شدن نیازهای ساکنانش، نزدیکی آن را به محوطه‌ی مهم عشق‌آباد ایجاب می‌کرده است. اما از یاد نبریم که محوطه‌ی پیرگز به‌طور اتفاقی کشف شد. یعنی اگر در میان خاک‌های حاصل از ایجاد یک گور جدید سفال ساسانی مشاهده نمی‌شد، چه بسا این محوطه به کلی ناشناخته باقی می‌ماند. وجود ماسه بادی در این منطقه به راحتی یک محوطه را ناپدید می‌کند و هیچ بعید نیست که در فاصله‌ی خارج از معیار ۲۱/۵ کیلومتری عشق‌آباد تا کلاته شور محوطه‌ای در زیر شن‌های روان مدفون شده و از دید ما پنهان شده باشد. احتمال این اتفاق کم نیست؛ چرا که هم فاصله‌ی زیاد عشق‌آباد و کلاته شور خلاء وجود یک محوطه را نشان می‌دهد. و هم وجود سه محوطه در کنار سه شاخه از پنج شاخه رود فصلی که به کال شور می‌ریخته، احتمال وجود حداقل یک محوطه دیگر را در کنار یکی از ۵ رودخانه تقویت می‌کند. کما این که طی بررسی‌های انجام شده، یک محوطه‌ی سلجوقی در کرانه‌ی یکی از این رودخانه‌های شناسایی شد.

در بخش شرقی دشت نیشابور، وجود محوطه‌ی یوسف‌آباد اسحاق‌آباد در فاصله‌ی میان دو محوطه‌ی اسحاق‌آباد و خسروآباد، از میانگین فاصله میان محوطه‌های ساسانی دشت نیشابور منحرف شده است. بر سطح محوطه‌ی یوسف‌آباد اسحاق‌آباد مقادیر زیادی سفال‌های دورریز و قطعاتی که به دلیل حرارت زیاد از شکل خارج شده و کاربری خود را از دست داده‌اند پراکنده است. وجود چنین سفال‌هایی بر سطح محوطه‌ی مزبور، این فرضیه را مطرح می‌سازد که یوسف‌آباد اسحاق‌آباد، در دوره‌ی ساسانی احتمالاً محوطه‌ای تولیدی بوده و به دو سکونتگاه مجاور خود سفال عرضه می‌داشته است. با این وجود فاصله‌ی کمتر آن محوطه با اسحاق‌آباد و اهمیت بیشتر اسحاق‌آباد در دوره‌ی تاریخی و اسلامی، احتمال وابستگی بیشتر یوسف‌آباد اسحاق‌آباد را به اسحاق‌آباد تقویت می‌کند. با نادیده گرفتن یوسف‌آباد اسحاق‌آباد، فاصله‌ی میان دو مرکز اصلی اسحاق‌آباد و خسروآباد از همان الگوی پیش‌گفته پیروی می‌کند.

وضعیت پراکندگی استقرارهای ساسانی در دامنه‌های جنوبی رشته کوه بینالود، چهره‌ی دیگری دارد. تقریباً هیچ محوطه‌ی استقراری دوره‌ی تاریخی در این منطقه شناسایی نشد. بدون شک مهم‌ترین محوطه‌های اقماری نیشابور در این منطقه پراکنده بوده‌اند و عدم شناسایی محوطه‌ی

قطب اقتصادی حوزه‌ی شمال شرق ایران، بدون تعامل نیشابور با سکونتگاه‌های اقماری امکان پذیر نبود. اگرچه نیشابور بخش بزرگی از حیات اقتصادی و فرهنگی خویش را مدیون مبادلات فرمانطقه‌ای بود اما بخش دیگری از نیازهای شهری نیشابور با بهره‌گیری از تولیدات صنعتی و کشاورزی روستاهای اقماری برآورده می‌شد. از طرف دیگر، استقرارهای اقماری بخشی از نیازهای خود را به واسطه‌ی مرکزیت شهر نیشابور مرتفع می‌ساختند.

شهر نیشابور مرکز بازار و محل تبادلات اقتصادی به شمار رفته و بسیاری از کالاهای مورد نیاز روستانشینان را در بازارهای خود عرضه می‌داشت. شکل‌گیری و گسترش شهر نیشابور در دوره‌ی ساسانی و اسلامی ارتباطی دو سویه با تکوین استقرارهای اقماری و ادامه‌ی حیات در آنها داشت. یافته‌های باستان‌شناختی به‌دست‌آمده از بررسی سطحی محوطه‌های اقماری شهر نیشابور، این فرضیه را تقویت می‌کند.

منابع

آلتهایم، فرانتس و روت استیل
۱۳۸۲ تاریخ اقتصاد دولت ساسانی، ترجمه هوشنگ صادقی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

ابن حوقل

۱۳۶۶ سفرنامه ابن حوقل: ایران در «صوره الارض»، ترجمه و توضیح جعفر شعار، ج ۲، تهران، امیرکبیر.

ابن رسته، احمد بن عمر

۱۳۶۵ الاعلاق النفیسه، ترجمه و تعلیق حسین قره چانلو، تهران، امیرکبیر.

اصطخری، ابواسحق ابراهیم

۱۳۷۳ مسالک و ممالک، ترجمه محمد بن اسعد بن عبدالله تستری، به کوشش ایرج افشار، تهران، بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار یزدی.

ثروتی، محمدرضا

۱۳۷۱ «ویژگی‌های ژئومورفولوژیک دشت‌های مناطق بیابانی ایران»، مجموعه مقالات سمینار بررسی مسائل مناطق بیابانی و کویری ایران، تهران، مرکز تحقیقات کویری و بیابانی ایران، صص. ۵۸۳ - ۵۶۷.

دانا، محسن، عمران گاراژیان و حسن فاضلی نشلی

۱۳۹۱ «نمونه‌برداری نظام‌مند طبقه‌بندی‌شده در تپه برج نیشابور، خراسان»، پیام باستان‌شناس، شماره ۱۸، صص. ۴۹-۶۸.

درویش، جمشید و رجبعلی لباف خانیکی

۱۳۸۱ «دیرین جانورشناسی حاشیه کویر نمک در یافته‌های

۹/۵ کیلومتر است، میانگین فاصله‌های هر محوطه با شهر کهن نیشابور در حدود ۲۲ کیلومتر است. چنین پراکندگی فضایی به روشنی نشان‌دهنده‌ی یک مرکز و استقرارهای پیرامونی بر گرد آن است.

یک شهر در مقام بزرگ‌ترین مرکز جمعیتی واقع در یک منطقه‌ی جغرافیایی از بیشترین تراکم جمعیت انسانی برخوردار است. خود این جمعیت به منطقه‌ای برای سکونت نیاز دارند که همان بافت شهری را در قالب خیابان‌ها و محله‌ها شکل می‌دهد. اما جمعیت اسکان یافته در شهر برای رفع نیازهای خود و همچنین تأمین نیازهای سکونتگاه‌های وابسته و پیرامونی به فضایی برای انجام فعالیت‌های تولیدی نیاز دارند. فعالیت‌های تولیدی علاوه بر کارگاه‌های صنعتی، عمدتاً به زمین‌های کشاورزی نیاز دارد. هر چه جمعیت یک مرکز استقرار بیشتر باشد، منطقه‌ی زراعی برای تولید مایحتاج شهرنشینان وسعت بیشتری می‌یابد. در حالی که کارگاه‌های صنعتی و زمین‌های کشاورزی بخش قابل مشاهده‌ی یک منظر فرهنگی را تشکیل می‌دهد، بسیاری از فعالیت‌های اقتصادی اساسی همانند دامپروری و چرای دام‌ها در مراتع و یا تشکیل بازارهای محلی در فضای باز، ممکن است هیچگونه علامتی از خود بر جای نگذاشته و تأثیر چشمگیری بر تغییر چهره‌ی مشهد منظر فرهنگی نداشته باشند.

این بخش منظر فرهنگی که به نام منظر بی‌دوام (ephemeral landscape) شناخته می‌شود (Qvistrom and Sal- 2006: 22 - 24)، بستر فعالیت‌های انسانی کوتاه مدت، زودگذر، ناماندگار و موقت را تشکیل می‌دهد. شرایط اقلیمی، تغییرات فصلی و اختلاف دما در طول سال در شکل‌گیری یک منظر بی‌دوام موثر است (Brassely 1998). چنانچه محدوده‌ی منظر بی‌دوام را به وسعت منظر فرهنگی مشهد شهر نیشابور ساسانی بیافزاییم قلمرو شهری نیشابور قابل تصور می‌شود و همین وسعت، فاصله‌ی مرکز شهر کهن نیشابور (کهندژ) را با سکونتگاه‌های پیرامونی توجیه می‌کند.

نتیجه‌گیری

بررسی باستان‌شناختی دشت نیشابور در حوزه‌ی نفوذ شهری نیشابور، الگوی نسبتاً منظمی از کیفیت پراکندگی استقرارگاه‌ها در دوره‌ی ساسانی را نشان می‌دهد. علاوه بر تمام مواردی که به عنوان عوامل تعیین‌کننده‌ی الگوی استقراری دشت نیشابور در دوره‌ی ساسانی ذکر شد، عبور راه ابریشم از شمال دشت نیشابور نیز بر رونق و گسترش شهر نیشابور تأثیری مضاعف می‌گذاشت و آن شهر را به یکی از مراکز اصلی مبادلات اقتصادی دوران باستان تبدیل می‌کرد. تبدیل شهر نیشابور به

References

- Brassely, P.
1998 "On the Unrecognized Significance of the Ephemeral Landscape," *Landscape Research*, Vol. 23:119-132.
- Boucharlat, R. and O. Lecomte
1987 *Fouilles de TurengTépe: Sous la Direction de Jean Deshayes*, 1: Les Periods Sassanides et Islamiques, Paris: Editions Recherche sur les Civilisations.
- Bulliet, R.
1976 "Medieval Nishapur: A Topographic and Demographic Reconstruction," *Studia Iranica*, Vol. 5, No. 1: 67-89.
- Curet, A.
1993 "Regional Studies and Ceramic Production Areas: An Example from La Mixtequilla, Veracruz, Mexico," *Journal of Field Archaeology*, Vol. 20, No. 4: 427-440.
- Darvill, T.
2002 "Settlement Archaeology", *The Concise Oxford Dictionary of Archaeology. Oxford*. Oxford University Press, Oxford Reference Online, 19 March 2007 <http://www.oxfordreference.com/views/ENTRY.html?subview=Main&entry=t102.e2190>
- Fouache, E.; C. Cosandey, P. Wormser, M. Kervran laude and R. A. Labbaf Khaniki
2011 "The River of Nishapur," *Studia Iranica*, Vol. 40, No. 1: 99-119.
- Garazhian, E.
2012 "Patterns of Change during the Transitional Process from Chalcolithic Cultures to the Bronze Age in Northeastern Iran, Based on Pottery Studies," in *Nāmvarnāmeḥ; Papers in Honour of Massoud Azarnoush*, H. Fahimi and K. Alizadeh (eds.), Tehran: Iran Negar, pp. 55-68.
- Grossman, D. and Y. Katz
1992 "Rural Settlement Patterns in Ertez-Israel," *Human Geography* 74:57-73.
- Hauser, W. and C. K. Wilkinson
1942 "The Iranian Expedition, 1938-1940: The Museum's Excavations at Nishapur", *Bulletin of the Metropolitan Museum of Art* XXXVII: 82-119.
- Hauser, W. and J. M. Upton and C. K. Wilkinson
1938 "The Iranian Expedition, 1937: The Museum's Excavations at Nishapur", *Bulletin of the Metropolitan Museum of Art*, Section II XXXII: 3-23.
- باستان‌شناسی غار ماپری و قلعه جوق، مجموعه مقالات نخستین همایش باستان‌سنجی در ایران: نقش علوم پایه در باستان‌شناسی، به کوشش مسعود آذرنوش، تهران، پژوهشکده باستان‌شناسی، صص. ۳۵-۴۶.
- طاهری، علی
۱۳۸۴ *درآمدی بر جغرافیا و تاریخ نیشابور، نیشابور، ابرشهر.*
- گاراژیان، عمران
۱۳۸۷ "لایه‌نگاری در گمانه یک تپه برج نیشابور، رویکردی تفسیری"، *پیام باستان‌شناسی*، شماره ۱۰، ۱-۱۸.
- لباف‌خانیکی، رجبعلی
۱۳۸۶ "گزارش اجمالی کاوش‌های باستان‌شناختی کهن‌دژ نیشابور، فصل ۲"، *گزارش‌های باستان‌شناسی* ۷، ج ۲، تهران، پژوهشکده باستان‌شناسی، ۲۹۵-۳۱۰.
- لباف‌خانیکی، رجبعلی و مونیگ کروران
۱۳۸۶ "مروری بر مطالعات و کاوش‌های باستان‌شناسی هیأت مشترک ایران و فرانسه در کهن‌دژ نیشابور"، *گزارش‌های باستان‌شناسی* ۶، تهران، پژوهشکده باستان‌شناسی، ۲۱-۳۵.
- لباف خانیکی، رجبعلی و میثم لباف خانیکی
۱۳۹۱ "معماری کهن دژ نیشابور در دوره ساسانی"، *نامورنامه: مقاله‌هایی در پاسداشت یاد مسعود آذرنوش*، به کوشش حمید فهیمی و کریم علیزاده، تهران: ایران نگار، صص. ۳۳۷-۳۴۶.
- لباف خانیکی، میثم
۱۳۸۵ "باستان‌شناسی زمین‌سیما"، *دو فصلنامه پژوهش‌های باستان‌شناسی و مطالعات میان‌رشته‌ای*، شماره ۴، صص. ۱۱۳-۱۲۶.
- ۱۳۸۷ "سفال‌های ساسانی شمال‌شرق ایران: طبقه‌بندی، مقایسه و تحلیل بر اساس ویژگی‌های شکلی"، *مجله علمی - پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران*، شماره ۱۸۶-۴، صص. ۱۴۳-۱۷۸.
- ۱۳۹۱ "مقدمه‌ای بر جغرافیای اداری-سیاسی ایران در دوره ساسانی"، *مجله پاز*، شماره ۱۰، صص. ۱۱۶-۱۳۱.
- مستوفی، حمدالله
۱۳۶۲ *نزه القلوب، تصحیح گای لیسترانج، تهران، دنیای کتاب.*
- مقدسی، ابوعبدالله محمدبن احمد
۱۳۶۱ *احسن التقاسیم فی معرفه القالیم*، ترجمه علینقی منزوی، تهران، شرکت مؤلفان و مترجمان ایران.
- ولایتی، سعدالله
۱۳۶۷ "منابع و مسایل آب زیرزمینی دشت نیشابور"، *فصلنامه تحقیقات جغرافیایی*، شماره ۸، صص. ۹۶-۱۲۳.

- Labbař, R. A. and M. Kervran
2007 *Nishapur: Seasons 2004-2007*, ICHTO-CNRS-Musee du Luvre, unpublished.
- Mousavi, A.
1990 "Two Bronze Statuettes from Tuzandegan, Khurassan," *Bulletin of the Ancient Orient Museum*, Vol. 11: 121-134.
- Puschnigg, G.
2006 *Ceramics of the Merv Oasis: Recycling the City*, Walnut Creek, Ca: Left Coast Press.
- Qviström, M. and K. Saltzman
2006 "Exploring Landscape Dynamics at the Edge of the City: Spatial Plans and Everyday Places at the Inner Urban Fringe of Malmö, Sweden," *Landscape Research*, 31: 21 – 41.
- Rye, O. S.
1981 *Pottery Technology: Principles and Reconstruction*, Washington, D.C.: Taraxacum.
- Rante, R. and A. Collinet
2013 *Nishapur Revisited- Stratigraphy and Ceramics of the Qohandez*, Oxford and Oakvill: Oxbow.
- Stark, B. L.
1985 "Archaeological Identification of Pottery-production Location: Ethnoarchaeological and Archaeological Data in Mesoamerica," *Decoding Prehistoric Ceramics*, B. A. Nelson (ed.), Carbondale: Southern Illinois University Press, 158-194.
- Stronach D. and A. Mousavi
2009 *Irans Erbe in Flugbildern von Georg Gerster*, Mainz: Philipp von Zabern.
- Taylor, C. C.
1972 "The Study of Settlement Patterns in Pre-Saxon Britain", *Man, Settlement, and Urbanism*, P.J. Ucko et al. (eds.), London: Duckworth, 109-113.
- Tiffany, J. A. and L. R. Abbott
1982 "Site-Catchment Analysis: Applications to Iowa Archaeology," *Journal of Field Archaeology* 9: 313-322.
- Trinkaus, K. M.
1986 "Pottery from the Damghan Plain, Iran: Chronology and Variability from the Parthian to the Early Islamic Periods," *Studia Iranica*, Vol. 15: 23-88.
- Upton, J. M.
1936 "The Persian Expedition, 1934-1935: Excavations at Nishapur", *Bulletin of the Metropolitan Museum of Art* XXXII: 176-180.
- Wilkinson, C. K.
1937 "The Iranian Expedition, 1936: The Excavations at Nishapur", *Bulletin of the Metropolitan Museum of Art* XXXII: 3-36.
- 1943 "Water, Ice, and Glass," *Metropolitan Museum of Art Bulletin, January*: 175-183.
- 1944 "Heating and Cooking in Nishapur," *Metropolitan Museum of Art Bulletin, June*: 282-291.
- 1947 "Fashion and Technique in Persian Pottery," *Metropolitan Museum of Art Bulletin*, November: 99-104.
- 1950 "Life in Early Nishapur," *Metropolitan Museum of Art Bulletin*, October: 60-72.
- 1959 "The Kilns of Nishapur," *Metropolitan Museum of Art Bulletin*, May: 235-240.
- 1961 "The Glazed Pottery of Nishapur and Samarkand," *Metropolitan Museum of Art Bulletin*, November: 102-115.



مجله موزه ملی ایران

توالی انتشار: دو فصلنامه

نوع داوری: دو سو ناشناس

زبان نشریه: فارسی و انگلیسی

نوع انتشار: چاپی و الکترونیکی

نوع دسترسی به مقالات: رایگان

هزینه بررسی و انتشار: ندارد

صاحب امتیاز: موزه ملی ایران

مدیر مسئول: جبرئیل نوکنده

سردبیر: یعقوب محمدی فر

معاون سردبیر: فریدون بیگلری

مدیر داخلی: ام البنین غفوری

ویراستار فارسی: یوسف حسن زاده و ام البنین غفوری

ویراستار انگلیسی: Steve Renette

اعضای تحریریه

محمدحسن طالبیان

علیرضا هژبری نوبری

یعقوب محمدی فر

محمد مرتضایی

علیرضا خسروزاده

محمد اسماعیل اسمعیلی جلودار

داریوش اکبرزاده

سیروس نصرالله زاده

امید عودباشی

بهروز عمرانی

علیرضا انیسی

مشاوران علمی

مهدی رهبر

سید محمد بهشتی

سیداحمد محیط طباطبایی

محمد رضا کارگر

کامیار عبدی

محسن جاوری

زهرة روح فر

هایده لاله

سونیا شیدرنگ

شاهرخ رزمجو

محمدحسین عزیزی خرائقی

یوسف حسن زاده

علی اکبر وحدتی

جواد حسین زاده ساداتی

حسین داودی

آرش میلانی نیا

اعضای تحریریه بین المللی

عباس علیزاده

مرجان مشکور

علی موسوی

نیما نظافتی

وستا سرخوش

فرانک بحرالعلومی

کریم علیزاده

محسن زیدی

طراح لوگو: نینا رضایی

تصویر روی جلد: گل نیلوفر آبی (TY.11)، تپه یحیی
تصویر پشت جلد: تیزه موستری ساخته شده از تراشه لوالوا، لایه مابین
پارینه سنگی میانی و پارینه سنگی جدید
کلیه حقوق این اثر برای موزه ملی ایران محفوظ است.

آدرس: تهران، خیابان امام خمینی، خیابان سی تیر، خیابان هنری

رولن، پلاک ۱، موزه ملی ایران.

کدپستی: ۱۱۳۶۹۱۷۱۱۱ | تلفن: ۴ - ۶۶۷۰۲۰۶۲ - ۰۲۱

وبگاه موزه: www.irannationalmuseum.ir

وبگاه نشریه: <http://jinm.irannationalmuseum.ir>

پست الکترونیک نشریه: irannationalmuseumjournal@gmail.com

راهنمای نویسندگان

نویسندگان گرامی لطفاً مقالات خود را در دو فایل مستقل بارگذاری کنید. یک فایل شامل کل مقاله بدون مشخصات نویسندگان که به داوران ارسال خواهد شد و یک فایل Word شامل مشخصات نویسندگان و اطلاعات تماس و معرفی آنان که نزد نشریه محفوظ خواهد ماند.

- ترتیب و چیدمان مطالب در مقاله:
- عنوان مقاله، نام نویسنده یا نویسندگان، چکیده‌ی فارسی و انگلیسی (بین ۲۵۰ تا ۳۰۰ کلمه)، کلیدواژگان (بین ۵ تا ۸ واژه مرتبط با متن)، متن اصلی (درآمد، مواد و روش، یافته‌ها، بحث و نتیجه‌گیری، سپاسگزاری)، پی‌نوشت‌ها، کتاب‌شناسی، زیرنویس تصاویر.
- ذکر نام نویسنده یا نویسندگان (نویسنده مسئول مشخص شود)، عنوان، شماره تلفن، آدرس پستی و آدرس پست الکترونیک (E-mail) در صفحه نخست مقاله الزامی است.

- چکیده مقاله بایستی حاوی یافته‌های مهم و نتیجه پژوهش باشد و مؤلفین بایستی از کلی‌گویی و پرداختن به موارد حاشیه‌ای پرهیز کنند.
- کلیه جداول و نمودارها (در قالب ورد یا اکسل) جداگانه ارسال شود.
- تصاویر با پسوند JPG و وضوح ۳۰۰ dpi باشند و به صورت فایل‌های جداگانه ارسال شوند. حداکثر طول افقی تصاویر ۲۰ سانتی‌متر (برابر عرض دو ستون) باشد. در شماره‌گذاری فایل تصاویر از اعداد لاتین استفاده کنید. از ارسال تصاویر در فایل ورد پرهیز کنید.
- برای ارجاع به عکس، طرح و نقشه از واژه تصویر استفاده کنید. برای ارجاع به جداول و نمودارها نیز به ترتیب از واژه جدول و نمودار استفاده کنید.
- اسامی در تصاویر فارسی بوده و از ارسال نقشه یا تصویر با اسامی لاتین خودداری کنید.
- معادل لاتین اسامی و اصطلاحات به صورت پاورقی در همان صفحه آورده شود.
سیک ارجاع‌دهی بین‌المللی AAA: American Anthropological Association ارجاع کوتاه شامل نام خانوادگی نویسنده، سال نشر در صورت لزوم و شماره صفحه درون متن و رفرنس کامل در پایان مقاله
* لطفاً از آوردن منابع به صورت پانویس یا هر شکل دیگری خودداری فرمایید.

- ارجاع و منابع
- ارجاع به منابع فارسی و غیرفارسی در متن مقاله به شیوه زیر باشد:
(مجیدزاده ۱۳۸۶) یا (Renfrew 1982)

* لطفاً در صورتی که منبع مورد اشاره لاتین است مثلاً (Mofidi 2012B: 133)، درون متن هم، در ارجاع کوتاه به صورت لاتین ارجاع داده شود و از فارسی کردن ارجاع درون متن مثلاً (مفیدی ۲۰۱۲: ۱۳۳) خودداری کنید. تنها مقالاتی که در اصل فارسی هستند یا به ترجمه فارسی آنها ارجاع می‌دهید را در فرمت ارجاع کوتاه فارسی بنویسید.

- در صورت لزوم شماره صفحه یا طرح و عکس را پس از نام نویسنده و سال انتشار ذکر کنید. در مواردی که از عکس، شکل و یا طرح منتشرشده‌ای استفاده می‌کنید در انتهای زیرنویس و در داخل پرانتز نام منبع، سال انتشار و شماره صفحه را ذکر کنید.
در کتاب‌شناسی یا کتاب‌نامه، منابع را به ترتیب حروف الفبا (نام نویسنده نخست) ذکر کنید. ترتیب آن به صورت نام فامیلی، نام، سال انتشار، نام مقاله، نام مجله، شماره صفحات و در کتاب، پس از عنوان کتاب، محل نشر و سپس نام ناشر.

- مقاله در مجله
امیرلو، عنایت‌اله

۱۳۶۵ "نگاهی به فرهنگ‌های کهن سنگی ایران"، *باستان‌شناسی و تاریخ*، شماره ۱، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، صص ۳۰-۱۳.
- مقاله در مجموعه مقالات
آذرنوش، مسعود

۱۳۵۴ "کاوش‌های گورستان محوطه سنگ شیر"، *گزارش‌های سومین مجمع سالانه کاوش‌ها و پژوهش‌های باستان‌شناسی در ایران، آبان ماه ۱۳۵۳*، به کوشش فیروز باقرزاده، تهران، مرکز باستان‌شناسی ایران، صص. ۷۲-۵۱.
- کتاب
مجیدزاده، یوسف

۱۳۸۶ *تاریخ و تمدن ایلام*، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
- ترجمه کتاب
کلاپس، ولفرام و پتر کالمایر

۱۳۸۵ *بیستون: کاوش‌ها و تحقیقات سال‌های ۱۹۶۷-۱۹۶۳*، ترجمه فرامرز نجد سمیعی، تهران، اداره کل امور فرهنگی، سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری

Abdi, K.

2003 "The Early Development of Pastoralism in the Central Zagros Mountains", *Journal of World Prehistory*, Vol. 17, No. 4: 395-448.

Wright, H. T.m

1994 "Prestate Political Formations", In *Chiefdoms and Early States in the Near East: Organizational Dynamics of Complexity*, G. Stein and M. S. Rothman (eds.), 67-84, Madison: Prehistory Press.

Azarnoush, M.

1994 *The Sasanian Manor House at Hajiabad, Iran*, Firenze, Le Lettere, Monografie di Mesopotamia.

فهرست مطالب

- نگاهی نو بر فناوری و گونه‌شناسی دست‌تراش‌های پارینه‌سنگی غار خر در بیستون، مجموعه موزه ملی ایران و دانشگاه
مونترال ۵
سونیا شیدرنگ
- مطالعه بقایای استخوانی جانوری مکشوفه از کاوش‌های تپه قصردشت- فارس ۲۷
ساناز بیضائی‌دوست، مرجان مشکور، آزاده محاسب و محمدتقی عطائی
- تدفین شماره ۱۲ در چلو: گور بانویی نجیب‌زاده از تمدن خراسان بزرگ ۴۵
علی‌اکبر وحدتی، رافائله بیشونه، روبرتو دن، ماری-کلود ترموی
- بازسازی چرخه استحصال، تولید، توزیع و مصرف اشیاء فلزی در هفت تپه برای درک زندگی روزمره ساکنان شهر ۶۵
بابک رفیعی علوی
- خراج یا مالیات؛ شواهدی جدید از ساختار اقتصاد سیاسی ایران در دوره آغاز ایلامی بر اساس بازخوانی گل‌نیشته آغاز ایلامی
TY.11 تپه یحیی موجود در موزه ملی ایران ۸۳
سحر یزدانی و روح‌الله یوسفی زشک
- گونه‌شناسی و مقایسه تطبیقی سفال‌های گورستان قیطره: بازنگری مجموعه موجود در موزه ملی ایران ۹۳
شراره فرخ‌نیا
- ترجمه پسوندها hi در کتیبه لوح فهرست اهداء کنندگان گوسفند از بسطام در موزه ملی ایران ۱۲۹
مریم دارا
- یک تعویذ مصری در موزه ملی ایران ۱۳۵
کامیار عبدی
- مجسمه‌های پارسی (؟) در پرستشگاه‌های آپولو در قبرس ۱۴۳
فرزاد عابدی
- الگوی استقراری دشت نیشابور در دوره ساسانی ۱۶۱
میثم لباف خانیکی
- سکه بیزانسی یافت‌شده از کهنه‌تپه‌سی در شمال غرب ایران ۱۸۷
علی زلّقی و سپیده مازیار
- مطالعات آزمایشگاهی بر روی ظروف موسوم به «فقاغ» در موزه ملی ایران ۱۹۳
فرانک بحرالعلومی، لیلا خاموشی و ایرج بهشتی
- بازنگری محل انتساب هفت قطعه کاشی زرین‌فام در موزه ملی ایران؛ اطلاعات باستان‌شناختی تازه‌ای از دشت لار تهران ۲۱۱
محمدسپهر سیری و سعید امیرحاجلو

Contents

A Typo-technological Analysis of Lithic Assemblages from Ghar-e Khar Cave, Bisotun, Collections of Iran National Museum and Montreal University.....	5
<i>Sonia Shidrang</i>	
Study of Faunal Remains from Excavations of Tappeh Qasrdasht - Fars.....	27
<i>Sanaz Beizae Doost, Marjan Mashkour, Azadeh Mohaseb, Mohammad Taqi Atayi</i>	
Grave 12 at Chalow: The Burial of a Lady of the “Greater Khorasan Civilization”.....	45
<i>Ali A. Vahdati, Raffaele Biscione, Roberto Dan, Marie-Claude Trémouille</i>	
Acquisition, Production, Consumption, and Discard: Reconstruction of Operational Chain of Haft Tappeh Metal Artifacts for Understanding the Everyday Life of the City.....	65
<i>Babak Rafii-Alavi</i>	
Tribute or Taxation; New Evidence of the Structure of Iran’s Political Economy in the Proto-Elamite Period Based on a Proto-Elamite Tablet from Tepe Yahya: TY.11, Kept in Iran National Museum.....	83
<i>Sahar Yazdani and Rouhollah. Yousefi Zoshk</i>	
Typology and Comparative Studies on Qeytariyeh Ceramic’s collection, Iran National Museum.....	93
<i>Sharareh Farokhnia</i>	
The translation of -hi in the list of sheep donors from Bastam in Iran National Museum Collection.....	129
<i>Maryam Dara</i>	
An Egyptian Talisman in Iran National Museum.....	135
<i>Kamyar Abdi</i>	
The Persian (?) Sculptures in the Sanctuaries of Apollo in Cyprus.....	143
<i>Farzad Abedi</i>	
The Settlement Pattern of the Nishapur Plain in the Sasanian Period.....	161
<i>Meysam Labbaf-Khaniki</i>	
Byzantine Coin from Kohne Tepesi, Northeastern Iran.....	187
<i>Ali Zallaghi & Sepideh Maziar</i>	
Analysis of Sphero-conical Vessels, Fuqqa, from Iran National Museum.....	193
<i>Faranak Bahroulomi, Leila Khamoshi and Iraj Beheshti</i>	
Review of Seven Pieces of Luster Tiles in the National Museum of Iran; New Archaeological Finds from Lar Plain in Tehran.....	211
<i>Mohammad Sepehr Siri & Saced Amirhajloo</i>	



Journal of Iran National Museum

Journal of Iran National Museum publishes research and reports: on all issues associated with museums and archaeology. It publishes two peer-reviewed issues per year in English and Persian.

The journal brings together curators, museum administrators, and archaeologists to present their research results about the museums and archaeology. Submissions must comply with the requirements set out in the instructions to contributors. The journal is open access and free to all individuals and institutions.

Peer Review Process: All manuscripts submitted to JINM go through a two-step double-blind peer review process (internal review and external review).

The external review is done by 2 to 4 experts in the related field. Following the external review, the authors are sent copies of the comments and are notified of the decision (accept as is, accept pending changes, revise and resubmit, or reject).

Publisher: Iran National Museum

Director in Charge: Jebrael Nokandeh

Editor in Chief: Yaghoob Mohammadifar

Associate Editor in Chief: Fereidoun Biglari

Manager: Omolbanin Ghafoori

Persian Riterary editor: Yousef Hassanzadeh & Omolbanin Ghafoori

English Text Editor: Steve Renette

Editorial Board

Mohammad Hasan Talebian Alireza Hezhabri Nobari

Yaghoob Mohammadifar Mohammad Mortezaei

Alireza Khosrowzadeh

Mohammad Esmael Esmaeili Jelodar

Dariush Akbarzadeh Cyrus Nasrollahzadeh

Omid Oudbashi Behrooz Omrani

Alireza Anisi

Scientific Adviser

Mehdi Rahbar Seyed Mohammad Beheshti

Ahmad Mohit Tabatabayi Mohammadreza Kargar

Kamyar Abdi Mohsen Javeri

Zohreh Rouhfar Haedeh Laleh

Sonia Shidrang Shahrokh Razmjou

Mohammad Hosein Azizi Kharanaghi

Yousef Hassanzadeh Ali A. Vahdati

Javad Hoseinzadeh Sadati Hossein Davoudi

Arash Milani Nia

International Editorial Board

Abbas Alizadeh Marjan Mashkour

Ali Mousavi Nima Nezafati

Vesta Sarkhosh Faranak Bahrololoumi

Karim Alizadeh Mohsen Zeidi

Cover Design: Design: Mousterian point on Levallois flake, intermediate Mousterian/Baradostian, Ghar-e Khar

Back Cover: Proto-Elamite tablet (TY.11), Tepe Yahya

مجله
موزه ملی ایران

Journal of

Iran National Museum

Vol. 1, No.1, Autumn 2020 and Winter 2021

Guide for Authors

Instructions to Contributors

All manuscript submissions to the Journal of Iran National Museum should be in a Word ".doc" file or in a Word-compatible file. The manuscripts should use Times New Roman 12 point font, and be double-spaced. Articles should not exceed 7,000 words excluding the title page, abstract, and bibliographic references.

The following information is required:

Cover letter including names, addresses, phone numbers and email addresses of the authors. Please also indicate the corresponding author.

200-word abstract

Keywords separated by semi-colons

The body of the paper, title page, references, tables, figure captions, and author notes should be combined in a single file, in both MS Word and PDF format.

Figures can be provided separately in JPG or TIF format and in high-resolution (at least 300 dpi) suitable for publication. Figures should be numbered and cited in the text.

Page numbers should be placed in the lower right corner of all pages. Manuscripts submitted to the Journal of Iran National Museum should not be currently under review by any other Journal or been made available in print or on the Internet.

Reference Style: AAA: American Anthropological Association (Short reference include name + date + page number inside text and full reference at the end of article)

* please do not use other style like footnote and etc.

Citation guidelines

Abdi, K.

2003 "The Early Development of Pastoralism in the Central Zagros Mountains", *Journal of World Prehistory*, Vol. 17, No. 4: 395-448.

Wright, H.T.

1994 "Prestate Political Formations". In *Chiefdoms and Early States in the Near East: Organizational Dynamics of Complexity*, edited by G. Stein and M.S. Rothman, 67-84. Madison: Prehistory Press.

Daryace, T.

2009 *Sasanian Persia: The Rise and Fall of an Empire*, London: Tauris.

Cover design and Logo: Nina Rezaei

Contact us:

<http://jinm.irannationalmuseum.ir/>
irannationalmuseumjournal@gmail.com
www.irannationalmuseum.ir

Address:

No.1, Professor Rolin St., Siy-e Tir St., Emam Khomeini Ave, Tehran, Iran.

Phone: +98 021 66702061-5